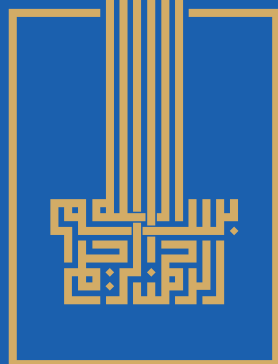




توافقنامه تجارت آزاد با اتحادیه اقتصادی اوراسیا افق‌های پیش رو برای ایران







توافقنامه تجارت آزاد با اتحادیه اقتصادی اوراسیا افق‌های پیش‌رو برای ایران

مرکز پژوهش‌های اتاق ایران

مدیریت دیپلماسی اقتصادی و آینده‌پژوهی؛ گروه مطالعات فرهنگی و اجتماعی

تدوین: فرزاد کلاته

تاریخ انتشار: آذر ۱۴۰۴

شناسه گزارش: RC-1404-MEF-E1-AP-1136

واژگان کلیدی: تجارت آزاد، اتحادیه اقتصادی اوراسیا، دیپلماسی اقتصادی ایران، همگرایی منطقه‌ای، کریدور شمال-جنوب، تحریم، سیاست نگاه به شرق، مزیت رقابتی و زنجیره ارزش منطقه‌ای، تجارت خارجی ایران

نشانی: تهران، خیابان طالقانی، نبش خیابان شهید موسوی (فرصت)، پلاک ۱۷۵

مرکز پژوهش‌های شبکه‌های اجتماعی:

Instagram: @rc.iccima.ir

Telegram: @rc_iccima

Twitter: @rc_iccima



توافقنامه تجارت آزاد با اتحادیه اقتصادی اوراسیا

افق‌های پیش‌رو برای ایران



آذر ۱۴۰۴



فهرست مطالب

۵	مقدمه
۱۰	دکتر علی زاهدطلبان (عضو هیات علمی مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی)
۲۱	دکتر محمود شوری (پژوهشگر مؤسسه مطالعات ایران و اوراسیا)
۲۷	دکتر وحید حسین‌زاده (عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس)
۳۳	دکتر ولی کالاجی (عضو شورای علمی مؤسسه مطالعات ایران و اوراسیا- ایراس)



مقدمه

تحولات اقتصادی و سیاسی دو دهه اخیر، چشم‌انداز نظام تجارت جهانی را با دگرگونی‌های عمیق و چندلایه مواجه ساخته است. جهانی شدن تولید، دیجیتالی شدن مبادلات، و شکل‌گیری شبکه‌های پیچیده زنجیره ارزش جهانی، روابط اقتصادی کشورها را از سطح مبادله کالایی به سطحی از ادغام نهادی، فناورانه و سیاستی ارتقا داده است. در چنین فضایی، همگرایی‌های منطقه‌ای و انعقاد موافقت‌نامه‌های تجارت آزاد به یکی از ارکان اصلی سیاست‌گذاری اقتصادی کشورها تبدیل شده است. امروز دیگر تجارت آزاد صرفاً به معنای کاهش تعرفه‌ها نیست، بلکه نشانه‌ای از مشارکت فعال کشورها در تنظیم قواعد، نهادسازی اقتصادی و شکل‌دهی به ترتیبات جدید حکمرانی جهانی است.

جمهوری اسلامی ایران نیز در سال‌های اخیر، به‌ویژه پس از محدودیت‌های ناشی از تحریم‌های اقتصادی و فشارهای بین‌المللی، مسیر تازه‌ای را برای بازتعریف روابط تجاری خود با جهان آغاز کرده است. این مسیر در چارچوب سیاست کلان «نگاه به شرق» و «دیپلماسی اقتصادی فعال منطقه‌ای» تعریف می‌شود؛ سیاستی که هدف آن، تنوع‌بخشی به بازارهای صادراتی، تقویت پیوندهای منطقه‌ای و ایجاد سپرهای اقتصادی در برابر تکانه‌های نظام مالی و سیاسی غرب است. یکی از مهم‌ترین جلوه‌های این رویکرد، انعقاد توافق‌نامه تجارت آزاد میان ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا (EAEU) است؛ اتحادیه‌ای که با محوریت روسیه و عضویت کشورهای قزاقستان، بلاروس، قرقیزستان و ارمنستان، طی یک دهه گذشته به یکی از ساختارهای مهم همگرایی اقتصادی در فضای پسا شوروی تبدیل شده است.

این توافق‌نامه که نسخه موقت آن در سال ۱۳۹۸ اجرایی شد و نسخه دائم آن از اردیبهشت ۱۴۰۴ لازم‌الاجرا گردید، از حیث دامنه تعهدات و گستره جغرافیایی، نقطه عطفی در تاریخ روابط تجاری ایران به‌شمار می‌آید. در چارچوب این موافقت‌نامه، حقوق گمرکی بیش از ۸۷ درصد از خطوط تعرفه‌ای میان دو طرف حذف شده و تعهدات الزام‌آور در حوزه‌های تسهیل گمرکی، شفافیت مقررات، قواعد مبدأ، حل و فصل اختلافات و همکاری‌های فنی به‌صورت رسمی پذیرفته شده است. به بیان دیگر، برای نخستین بار در تاریخ سیاست تجاری ایران، یک توافق منطقه‌ای با ماهیت «تجارت آزاد کامل» و با نهادهای مشترک اجرایی شکل گرفته است.

اهمیت این موافقت‌نامه را می‌توان از سه منظر اساسی مورد بررسی قرار داد:

- از منظر اقتصادی، این توافق‌نامه دروازه‌ای برای دسترسی ایران به بازاری ۱۸۵ میلیون نفری با تولید ناخالص داخلی بیش از ۲۰۴ تریلیون دلار ایجاد می‌کند و می‌تواند مسیر تنوع‌بخشی صادرات، ارتقای رقابت‌پذیری کالاهای ایرانی و جذب سرمایه‌گذاری مشترک را هموار سازد؛
- از منظر ژئوپلیتیکی، تعامل فعال با اتحادیه اقتصادی اوراسیا جایگاه ایران را در محور شمال-جنوب و کریدورهای راهبردی بین‌المللی تقویت می‌کند و ظرفیت کشور را برای ایفای نقش پیوندی میان خلیج فارس، قفقاز، روسیه و آسیای مرکزی افزایش می‌دهد؛
- از منظر نهادی و سیاستی، این توافق‌نامه زمینه‌ای برای اصلاح درونی سیاست تجاری ایران و ارتقای شفافیت، انضباط و هماهنگی میان نهادهای اجرایی کشور فراهم می‌سازد.

با این حال، اهمیت این تحول نه در متن حقوقی آن، بلکه در توان ایران برای مدیریت هوشمندانه اجرای آن نهفته است. تجربه سایر کشورها نشان می‌دهد که صرف امضای توافقی‌نامه‌های تجارت آزاد، به‌تنهایی منجر به رشد اقتصادی یا جهش صادراتی نمی‌شود، بلکه تحقق آثار مثبت آن مستلزم وجود زیرساخت‌های نهادی، لجستیکی، مالی و آموزشی کارآمد است. از این رو، اجرای موفق موافقت‌نامه تجارت آزاد ایران و اوراسیا را می‌توان آزمونی برای سنجش توان حاکمیتی کشور در پیاده‌سازی سیاست‌های مدرن تجاری و گذار از اقتصاد درون‌نگر به اقتصاد مشارکت‌جو دانست.

۱. بستر جهانی و روند رو به رشد همگرایی‌های منطقه‌ای

در سه دهه اخیر، تعداد موافقت‌نامه‌های تجاری فعال در جهان بیش از هشت برابر شده و از کمتر از ۵۰ مورد در اوایل دهه ۱۹۹۰ به حدود ۴۰۰ موافقت‌نامه در سال ۲۰۲۳ رسیده است. این افزایش چشمگیر، بیانگر گذار از نظم تجاری چندجانبه مبتنی بر سازمان جهانی تجارت (WTO) به شبکه‌ای چندسطحی از پیمان‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای است. این روند جهانی ناشی از سه عامل اصلی است: نخست، گسترش زنجیره‌های ارزش جهانی و نیاز به هماهنگی مقررات؛ دوم، ناکارآمدی نسبی نظام چندجانبه در پاسخ‌گویی به تحولات سریع اقتصاد دیجیتال؛ و سوم، رقابت ژئواقتصادی قدرت‌ها برای شکل‌دهی به بلوک‌های تجاری خاص خود.

در چنین محیطی، کشورهای در حال توسعه به‌ویژه در آسیا، برای تضمین دسترسی به بازارهای بزرگ‌تر و جذب فناوری‌های نوین، به‌طور فزاینده‌ای به سمت امضای توافقی‌نامه‌های منطقه‌ای حرکت کرده‌اند. نمونه‌های موفق آن در جنوب شرق آسیا (اتحادیه آسه‌آن)، شرق آسیا (RCEP) و آمریکای لاتین (MERCOSUR) قابل مشاهده است. در مقابل، ایران تا پیش از دهه ۱۳۹۰، تجربه محدودی در حوزه موافقت‌نامه‌های جامع داشت و بیشتر به انعقاد توافقی‌های ترجیحی محدود بسنده کرده بود. از این رو، توافق



با اتحادیه اقتصادی اوراسیا، از منظر مقایسه‌ای، نخستین گام جدی ایران در ورود به باشگاه همگرایی‌های اقتصادی مدرن محسوب می‌شود.

۲. منطق ژئواقتصادی همکاری ایران و اتحادیه اوراسیا

اتحادیه اقتصادی اوراسیا، که در سال ۲۰۱۵ به صورت رسمی تأسیس شد، تلاشی برای بازسازی پیوندهای اقتصادی میان جمهوری‌های سابق شوروی در قالب یک چارچوب نهادی واحد است. اگرچه روسیه بازیگر اصلی این اتحادیه به شمار می‌رود و ۸۷ درصد از تولید ناخالص داخلی آن را در اختیار دارد، اما کشورهای قزاقستان، بلاروس، ارمنستان و قرقیزستان نیز هر یک نقش مکملی در زنجیره تأمین منطقه‌ای ایفا می‌کنند. از منظر جغرافیایی، این اتحادیه در قلب اوراسیا قرار دارد و دسترسی زمینی به سه قاره آسیا، اروپا و اقیانوس منجمد شمالی را ممکن می‌سازد.

برای ایران، پیوستن به این اتحادیه دو معنای هم‌زمان دارد:

از یک سو، تثبیت موقعیت ژئوپلیتیکی کشور به عنوان گره ارتباطی شمال-جنوب و بهره‌برداری از کریدور بین‌المللی حمل‌ونقل شمال-جنوب (INSTC) که از بنادر جنوبی ایران تا سن پترزبورگ امتداد می‌یابد؛ و از سوی دیگر، دسترسی ترجیحی به بازارهای مصرفی جدید که پیش‌تر تحت نفوذ روسیه و اروپا بودند. به علاوه، ساختار تحریم‌های غرب علیه ایران و روسیه موجب شده است که دو کشور، از منظر راهبردی، نیازمند یافتن مسیرهای جایگزین برای تأمین کالا، مبادله مالی و همکاری‌های صنعتی باشند. در چنین بستری، توافق تجارت آزاد ایران و اوراسیا نه تنها به مثابه یک ابتکار اقتصادی، بلکه به عنوان یک سازوکار «تاب‌آوری اقتصادی» نیز قابل تفسیر است.

۳. تحولات داخلی ایران و ضرورت بازتعریف سیاست تجاری

سیاست تجاری ایران در دهه‌های گذشته بیشتر بر پایه نگاه درون‌نگر، حمایت از تولید داخلی و کنترل واردات استوار بوده است. این رویکرد اگرچه در برخی مقاطع تاریخی توجیه‌پذیر بوده، اما در عمل مانع شکل‌گیری نظام پایدار صادرات غیرنفتی و ادغام در اقتصاد جهانی شده است. ساختار پیچیده تعرفه‌ها، تغییرات مکرر بخشنامه‌ها، تعدد نهادهای تصمیم‌گیر و نبود یک استراتژی منسجم صادراتی، از جمله موانعی است که فعالان اقتصادی در سال‌های اخیر با آن مواجه بوده‌اند.

انعقاد و اجرای توافق تجارت آزاد با اتحادیه اقتصادی اوراسیا، فرصتی کم‌نظیر برای اصلاح درونی حکمرانی تجاری ایران فراهم می‌سازد. این توافق کشور را ملزم می‌کند تا در حوزه‌های گمرکی، تسهیل مقررات، شفافیت و انضباط تجاری، استانداردهای بین‌المللی را رعایت کند و از مداخلات غیرقابل پیش‌بینی در سیاست‌های تعرفه‌ای بپرهیزد. افزون بر آن، بخش خصوصی و اتاق‌های بازرگانی، به‌ویژه اتاق بازرگانی ایران، نقشی محوری در اجرای موفق این تعهدات دارند. توانمندسازی فعالان اقتصادی از طریق آموزش،

مشاوره و ایجاد شبکه‌های مشترک تجاری، یکی از پیش‌شرط‌های کلیدی برای بهره‌برداری واقعی از فرصت‌های این موافقت‌نامه است.

۴. فرصت‌ها و چالش‌های پیش‌رو

اجرای موافقت‌نامه تجارت آزاد ایران و اوراسیا، همان‌گونه که در تحلیل‌های کارشناسان حاضر در نشست آمده است، مجموعه‌ای از فرصت‌ها و چالش‌های هم‌زمان را در پی دارد. در بُعد فرصت‌ها، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- گسترش صادرات غیرنفتی ایران به بازارهای روسیه، قزاقستان و ارمنستان در حوزه‌هایی چون پتروشیمی، مواد غذایی، مصالح ساختمانی و محصولات کشاورزی؛
- جذب سرمایه‌گذاری مشترک در صنایع تبدیلی و لجستیک؛
- بهره‌گیری از ظرفیت‌های ترانزیتی ایران در کریدورهای شمال-جنوب و شرق-غرب؛
- و ارتقای همکاری‌های فناورانه و صنعتی میان شرکت‌های ایرانی و اوراسیایی.
- در مقابل، چالش‌هایی نیز در مسیر بهره‌برداری از این توافق وجود دارد، از جمله:
- ضعف زیرساخت‌های حمل‌ونقل، انبارداری و سردخانه‌ای در مسیرهای صادراتی؛
- ناهماهنگی میان دستگاه‌های دولتی در اجرای مقررات تعرفه‌ای و گمرکی؛
- دشواری‌های نظام بانکی و نبود سازوکارهای مالی مطمئن برای تسویه غیردلاری؛
- و فشار رقابتی ناشی از ورود کالاهای ارزان روسی به بازار ایران در برخی صنایع.

به همین دلیل، درک این توافق به‌مثابه یک «شمشیر دو لبه» ضروری است: فرصتی برای جهش صادراتی در کنار تهدیدی برای صنایع غیررقابتی داخلی. آنچه موفقیت این توافق را رقم می‌زند، نه صرفاً مزیت‌های عددی تعرفه‌ها، بلکه توان کشور در مدیریت هوشمندانه آثار توزیعی آن بر بخش‌های مختلف اقتصاد است.

برگزاری نشست تخصصی «توافق‌نامه تجارت آزاد با اتحادیه اقتصادی اوراسیا: افق‌های پیش‌رو برای ایران» توسط مرکز پژوهش‌های اتاق بازرگانی ایران و موسسه مطالعات ایران و اوراسیا (ایراس)، پاسخی علمی به همین ضرورت است. این نشست با حضور جمعی از کارشناسان برجسته حوزه سیاست خارجی و اقتصاد بین‌الملل، از جمله دکتر علی زاهدطلبان، دکتر محمود شوری، دکتر وحید حسین‌زاده و دکتر ولی کالجی، به بررسی چندجانبه ابعاد اقتصادی، حقوقی، نهادی و ژئوپلیتیکی توافق پرداخت. هدف اصلی این گفت‌وگوها، تبیین ابعاد واقع‌گرایانه توافق، شناسایی ظرفیت‌های بالفعل و بالقوه آن، و ارائه راهکارهای سیاستی برای بهره‌برداری مؤثر از فرصت‌های تجاری و نهادی بود.

نتایج این نشست نشان می‌دهد که مسیر موفقیت در اجرای این توافق، از گذرگاه سیاست‌گذاری



هماهنگ، تقویت بخش خصوصی، نهادهای مشترک و آموزش تخصصی می‌گذرد. همچنین تأکید شد که بهره‌گیری پایدار از موافقت‌نامه، نیازمند ثبات در تصمیمات اقتصادی و پرهیز از سیاست‌های خلق‌الساعه است؛ چرا که هرگونه تغییر ناگهانی در مقررات صادرات و واردات، می‌تواند اعتبار تعهدات بین‌المللی ایران را خدشه‌دار کند.

مرکز پژوهش‌های اتاق بازرگانی ایران با انتشار این گزارش تحلیلی، در پی آن است که از خلال داده‌ها، دیدگاه‌ها و تجربیات کارشناسی مطرح‌شده در نشست، تصویری جامع از چشم‌انداز آینده همکاری ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا ارائه دهد. این گزارش نه تنها خلاصه‌ای از مباحث نشست است، بلکه تلاشی است برای تدوین چارچوبی تحلیلی که بتواند به تصمیم‌گیران اقتصادی و نهادهای بخش خصوصی در جهت‌گیری‌های آتی کمک کند.

به‌طور کلی، توافق‌نامه تجارت آزاد میان ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا را می‌توان نخستین گام واقعی ایران در مسیر ادغام هدفمند در شبکه تجارت منطقه‌ای دانست. این توافق، ایران را از وضعیت «مشارکت محدود» به سطح «همگرایی ساختاری» ارتقا می‌دهد و می‌تواند مبنایی برای انعقاد توافق‌های مشابه با سایر بلوک‌های اقتصادی نظیر سازمان همکاری شانگهای و گروه بریکس باشد.

چشم‌انداز آینده نشان می‌دهد که در صورت تداوم اجرای پایدار این توافق و تقویت ظرفیت‌های داخلی، ایران قادر خواهد بود تا از مسیر اوراسیا، پیوند خود را با بازارهای بزرگتر آسیایی و اروپایی برقرار سازد. تحقق این هدف، مستلزم سه شرط کلیدی است:

- انسجام نهادی در حکمرانی تجاری و هماهنگی میان وزارت صمت، گمرک و اتاق‌های بازرگانی؛
- توسعه زیرساخت‌های مالی، لجستیکی و دیجیتال برای تسهیل مبادلات؛
- و تقویت بنیه تحلیلی و پژوهشی برای تصمیم‌سازی مبتنی بر داده.

بدون این سه رکن، موافقت‌نامه‌ها در سطح نمادین باقی می‌مانند و تأثیری پایدار بر رشد اقتصادی نخواهند داشت.

در نهایت، توافق‌نامه تجارت آزاد ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا، اگر با نگاهی راهبردی، فنی و فرابخشی دنبال شود، می‌تواند به الگویی موفق از همگرایی اقتصادی در آسیای غربی تبدیل گردد. این توافق نه تنها ظرفیت گسترش صادرات و تقویت تولید داخلی را در بر دارد، بلکه می‌تواند در سطح کلان‌تر، به بازتعریف نقش ایران در نقشه ژئواقتصادی منطقه و ارتقای جایگاه کشور در ترتیبات جدید اقتصاد جهانی منجر شود. به این ترتیب، گزارش حاضر تلاشی است برای ترسیم واقع‌بینانه فرصت‌ها و محدودیت‌های پیش‌رو، و دعوتی به گفت‌وگو و تصمیم‌سازی آگاهانه در مسیر اجرای یکی از مهم‌ترین توافق‌های تجاری تاریخ معاصر ایران.

دکتر علی زاهدطلبان (عضو هیات علمی مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی)

۱. مقدمه

بررسی ایجاد روابط تجاری گسترده میان جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا در قالب یک موافقت‌نامه تجارت آزاد، از مهم‌ترین تحولات سیاست تجاری کشور در دهه اخیر به‌شمار می‌آید. این توافق، نه‌تنها نخستین تجربه ایران در ورود به عرصه موافقت‌نامه‌های تجارت آزاد جامع است، بلکه از حیث گستره موضوعی و عمق تعهدات، نقطه عطفی در تاریخ سیاست‌گذاری تجاری کشور محسوب می‌شود. ضرورت مطالعه این موافقت‌نامه در چند محور قابل تبیین است. نخست آن‌که ساختار تجارت جهانی در سال‌های اخیر دستخوش دگرگونی‌های بنیادین شده است و همگرایی‌های اقتصادی به رکن اساسی روابط بین‌الملل بدل گردیده‌اند. دوم، ایران در شرایطی به این توافق پیوسته است که سهم آن از تجارت منطقه‌ای و جهانی هنوز ناچیز است و اصلاح مسیر تعاملات خارجی، برای رشد پایدار اقتصادی کشور حیاتی است. سوم، از آنجا که اتحادیه اقتصادی اوراسیا به‌عنوان یکی از بلوک‌های فعال منطقه‌ای، دارای ظرفیت‌های قابل توجهی در حوزه انرژی، کشاورزی، صنایع سنگین و بازار مصرفی است، عضویت ایران در این سازوکار می‌تواند منافع اقتصادی و ژئوپلیتیکی مهمی به همراه داشته باشد.

بنابراین تحلیل علمی و سیاستی این توافق، به‌ویژه در مرحله آغاز اجرای نسخه دائم آن، می‌تواند در جهت‌گیری آینده سیاست تجاری ایران و شکل‌دهی به همکاری‌های منطقه‌ای نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا کند.

۲. تحولات جهانی در حوزه موافقت‌نامه‌های تجاری

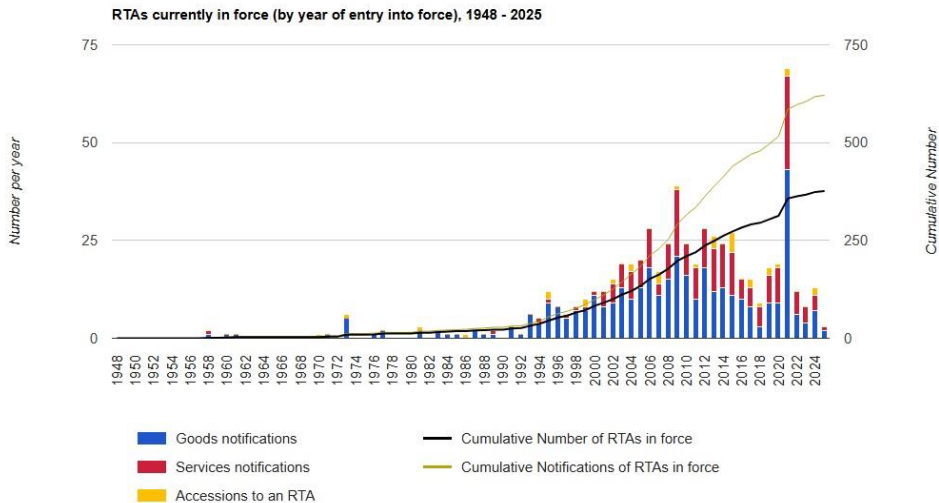
نظام تجارت بین‌الملل طی سه دهه اخیر شاهد رشد چشمگیر موافقت‌نامه‌های تجاری دوجانبه و منطقه‌ای بوده است. در اوایل دهه ۱۹۹۰، کمتر از ۵۰ موافقت‌نامه تجاری میان کشورها برقرار بود؛ اما بنا بر آمار کنفرانس تجارت و توسعه سازمان ملل و سازمان جهانی تجارت، تا سال ۲۰۲۳ این رقم به حدود ۴۰۰ موافقت‌نامه فعال افزایش یافته است.

این روند افزایشی، نشان‌دهنده گذار از نظام تجارت مبتنی بر مقررات چندجانبه (در قالب سازمان جهانی



تجارت) به شبکه‌ای از همگرایی‌های چندسطحی و منطقه‌ای است. ماهیت این موافقت‌نامه‌ها نیز به‌مرور از تمرکز صرف بر کاهش تعرفه‌ها فراتر رفته و حوزه‌هایی همچون سرمایه‌گذاری، خدمات، رقابت، مقررات فنی، مالکیت فکری و محیط‌زیست را نیز در بر گرفته است.

روند همگرایی‌های تجاری در چند دهه اخیر



Note: Notifications of RTAs: goods, services & accessions to an RTA are counted separately. The cumulative lines show the number of RTAs/notifications currently in force.

Source: WTO Secretariat - July 21, 2025

© World Trade Organization 2025

گسترش این توافقات در واقع پاسخی به پیچیدگی زنجیره‌های تولید جهانی و ضرورت هماهنگی میان کشورها در زمینه استانداردها، تعرفه‌ها و تسهیل مبادلات است. به بیان دیگر، تجارت آزاد دیگر صرفاً یک تصمیم اقتصادی نیست، بلکه بخشی از راهبرد سیاستی کشورها برای ارتقای موقعیت خود در نظام تولید جهانی است.

۳. منطق و ضرورت شکل‌گیری موافقت‌نامه‌های تجاری

افزایش تعداد و تنوع موافقت‌نامه‌های تجاری ریشه در تحولات ساختاری اقتصاد جهانی دارد. از منظر نظری، چنین توافقاتی ابزاری تحقق سه هدف کلیدی‌اند:

۱. کاهش هزینه مبادله و ارتقای رقابت‌پذیری بین‌المللی؛
۲. هماهنگ‌سازی مقررات و استانداردهای فنی میان کشورها؛

۳. ادغام در زنجیره جهانی ارزش (Global Value Chain) و افزایش سهم کشورها از تولید جهانی.

پیشرفت‌های فناوریانه، کاهش هزینه‌های حمل‌ونقل، دیجیتالی‌شدن فرایندها و افزایش سرعت جریان کالا و سرمایه، همه موجب شده‌اند تا کشورها در تولید یک کالا به‌صورت مشارکتی عمل کنند. در چنین فضایی، همکاری تجاری و مقرراتی میان کشورها به ضرورتی اجتناب‌ناپذیر تبدیل شده است. از منظر سیاستی، کشورهایی که زودتر وارد این شبکه‌های همکاری می‌شوند، از مزیت‌های ساختاری همچون صرفه‌های مقیاس، دسترسی به بازارهای بزرگ‌تر، انتقال فناوری و جذب سرمایه خارجی برخوردار می‌گردند. در مقابل، کشورهایی که در حاشیه این روند باقی می‌مانند، با هزینه فرصت ازدست‌رفته و انزوای اقتصادی مواجه خواهند شد.

ایران نیز در چنین بستری به سمت انعقاد موافقت‌نامه‌های منطقه‌ای گام برداشته است؛ هرچند مسیر طی‌شده تاکنون در مقایسه با کشورهای هم‌تراز، محدود و پرچالش بوده است.

۴. جایگاه ایران در نظام همگرایی‌های اقتصادی

در میان کشورهای نوظهور و اقتصادهای متوسط، ایران از منظر مشارکت در موافقت‌نامه‌های تجاری، در جایگاهی پایین‌تر از متوسط جهانی قرار دارد. مقایسه تطبیقی با چند کشور منتخب آسیایی نشان می‌دهد که ایران هنوز در مرحله موافقت‌نامه‌های ترجیحی (PTA) قرار دارد و تجربه‌ای محدود در تجارت آزاد (FTA) داشته است.

مقایسه موافقت‌نامه‌های تجاری کشورهای منتخب (۲۰۲۴)

کشور	تعداد موافقت‌نامه‌های فعال	نوع غالب موافقت‌نامه‌ها	میزان پوشش جغرافیایی
ترکیه	۲۷	تجارت آزاد	اروپا، خاورمیانه
مالزی	۱۷	تجارت آزاد و منطقه‌ای	آسیا-اقیانوسیه
هند	۱۹	ترجیحی و منطقه‌ای	آسیا و آفریقا
اندونزی	۱۶	ترجیحی	شرق آسیا
ویتنام	۱۶	تجارت آزاد	اتحادیه اروپا، آسه‌آن
ایران	۷	اغلب ترجیحی	منطقه خاورمیانه و آسیای مرکزی



بر اساس این مقایسه، ایران در حوزه موافقت‌نامه‌های منطقه‌ای هنوز در سطح «محدود و تجربی» قرار دارد و تنها موافقت‌نامه‌ای که از نظر دامنه و عمق تعهدات در سطح تجارت آزاد قرار می‌گیرد، موافقت‌نامه با اتحادیه اقتصادی اوراسیا است.

این وضعیت نشان می‌دهد که ایران برای حضور مؤثر در زنجیره ارزش منطقه‌ای و بین‌المللی، نیازمند سیاست‌گذاری هدفمند و فعال در حوزه موافقت‌نامه‌های تجاری است؛ به‌ویژه در شرایطی که اغلب کشورهای منطقه، از جمله ترکیه و عربستان سعودی، به‌سرعت در حال توسعه شبکه توافقی‌های تجاری خود هستند.

۵. سیر شکل‌گیری موافقت‌نامه ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا

فرآیند شکل‌گیری موافقت‌نامه تجارت آزاد میان ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا طی نزدیک به یک دهه، در چند مرحله صورت گرفته است. آغاز مذاکرات رسمی در دی‌ماه ۱۳۹۴، نقطه شروع مسیری بود که نهایتاً به امضای موافقت‌نامه دائم در اردیبهشت ۱۴۰۴ انجامید. مراحل اصلی به شرح زیر است:

سال	رویداد	توضیح
۱۳۹۴	آغاز مذاکرات رسمی	مذاکرات مقدماتی بین وزارت صمت و کمیسیون اقتصادی اوراسیا
۱۳۹۷	امضای موافقت‌نامه موقت	موافقت‌نامه تجارت ترجیحی به‌مدت سه سال
۱۳۹۸	لازم‌الاجرا شدن موافقت‌نامه موقت	آغاز اعمال تعرفه‌های ترجیحی
۱۴۰۲	پایان دوره تمدیدشده موقت	توافق بر سر نهایی‌سازی نسخه دائم
۱۴۰۴	لازم‌الاجرا شدن موافقت‌نامه دائم	حذف کامل تعرفه‌ها برای ۸۷ درصد کالاها

موافقت‌نامه دائم، با دربرگیری بیش از صد صفحه مقررات و ۹ فصل تخصصی، از منظر حقوقی جامع‌ترین توافق تاریخ تجارت خارجی ایران به‌شمار می‌رود. این سند نه تنها بر کاهش تعرفه‌ها تأکید دارد، بلکه ابعاد مختلفی از تسهیل تجاری، شفافیت مقررات، همکاری فنی، انضباط تجاری و ایجاد نهادهای مشترک نظارتی را در بر می‌گیرد.

۶. ویژگی‌های موافقت‌نامه موقت و آثار اقتصادی آن

موافقت‌نامه موقت تجارت ترجیحی میان جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا که از آبان

۱۳۹۸ لازم‌الاجرا شد، نخستین تجربه رسمی ایران در بهره‌گیری از نظام ترجیحات تعرفه‌ای با یک بلوک اقتصادی منسجم به شمار می‌رفت. در این موافقت‌نامه، برای ۵۰۲ قلم کالا از سوی ایران و ۳۶۰ قلم از سوی طرف مقابل، کاهش تعرفه یا اعمال تعرفه ترجیحی پیش‌بینی شده بود.

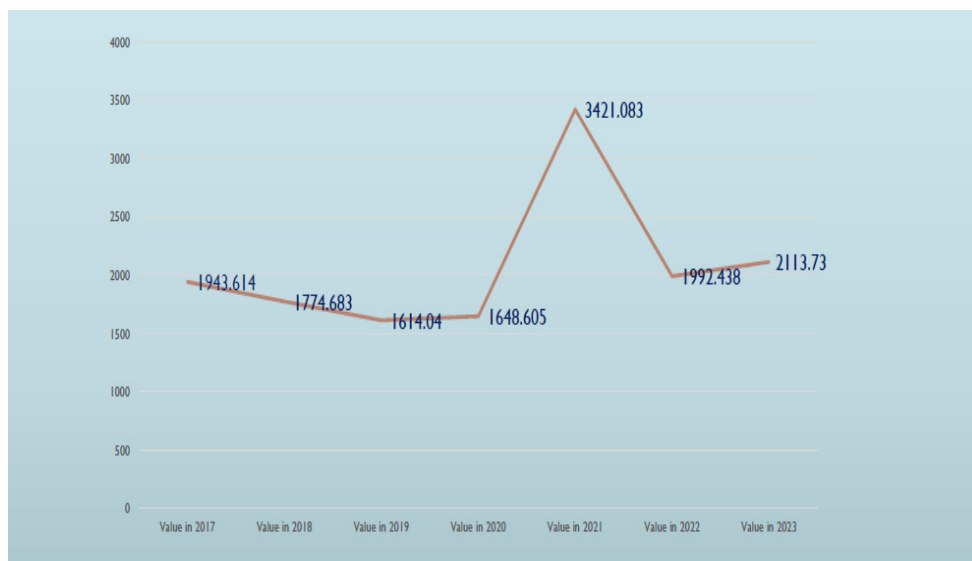
بررسی داده‌های آماری گمرک ایران نشان می‌دهد که در دوره اجرای این موافقت‌نامه، حجم تجارت دو طرف رشد قابل ملاحظه‌ای داشته است. صادرات ایران به کشورهای عضو اتحادیه از حدود ۶۵۰ میلیون دلار در سال ۲۰۱۷ به بیش از ۱۰۷ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۳ افزایش یافته و واردات نیز با نرخ مشابه رشد کرده و به حدود ۲۰۱ میلیارد دلار رسیده است.

عملکرد موافقت‌نامه موقت: صادرات ایران به اوراسیا (۲۰۲۳-۲۰۱۷) رشد صادرات از ۰.۶۵ به ۱۰۷ میلیارد دلار





عملکرد موافقتنامه موقت: واردات ایران از اوراسیا (۲۰۱۷-۲۰۲۳) رشد واردات از ۱.۲ به ۲.۱ میلیارد دلار



اگرچه تراز تجاری ایران در طول دوره موقت منفی بوده است، اما فاصله صادرات و واردات به تدریج کاهش یافته و ترکیب کالاهای صادراتی ایران نیز متنوع‌تر شده است. در این میان، افزایش سهم کالاهای غیرنفتی و صنایع تبدیلی نظیر محصولات پتروشیمی، کاشی و سرامیک، میگو، خشکبار و مصالح ساختمانی از مهم‌ترین نتایج اجرای موافقتنامه موقت محسوب می‌شود.

از منظر سیاستی، این دوره آزمایشی موجب شکل‌گیری تجربیات ارزشمندی در زمینه تطبیق ساختارهای تعرفه‌ای، ایجاد هماهنگی میان نهادهای داخلی، و ارزیابی آثار کاهش تعرفه‌ها بر صنایع داخلی شد؛ تجربه‌ای که در طراحی نسخه دائم موافقتنامه نقش مؤثری ایفا کرد.

۷. ویژگی‌های موافقتنامه دائم و الزامات آن

نسخه دائم موافقتنامه تجارت آزاد ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا که در اردیبهشت ۱۴۰۴ لازم‌الاجرا گردید، از منظر ساختار، جامع‌ترین توافق تجاری تاریخ ایران به‌شمار می‌آید. این سند دربرگیرنده بیش از صد صفحه متن حقوقی در نه فصل اصلی است و گستره‌ای از حوزه‌های تجاری و نهادی را پوشش می‌دهد. مهم‌ترین ویژگی‌های این موافقتنامه به شرح زیر است:



آثار اقتصادی و اجرایی	مفاد اصلی	حوزه تعهد
افزایش رقابت‌پذیری کالاهای ایرانی در بازار اوراسیا	صفر شدن تعرفه برای ۸۷٪ از کل خطوط تعرفه‌ای (۴۰۶۸۸ قلم کالا)	حذف تعرفه‌ها
تمرکز بر کالاهای حساس کشاورزی و معدنی	تنها ۱۳٪ از کالاهای در فهرست منفی	فهرست منفی محدود
ثبات در سیاست تجاری	ممنوعیت وضع تعرفه یا محدودیت جدید بر کالاهای آزادشده	انضباط تجاری
کاهش زمان و هزینه تجارت	الزام به ترخیص کالا ظرف ۴۸ ساعت و پذیرش اسناد الکترونیکی	تسهیل گمرکی
ارتقای پیش‌بینی‌پذیری بازار	انتشار عمومی مقررات تجاری و گمرکی	شفافیت و اطلاع‌رسانی
کاهش هزینه مبادله و افزایش اعتماد متقابل	برای حل فوری اختلافات اجرایی	ایجاد نقاط تماس مشترک

بر اساس این چارچوب، دولت ایران متعهد شده است که در حوزه کالاهای آزادشده، هیچ‌گونه محدودیت تازه‌ای از قبیل ممنوعیت صادرات یا واردات، سهمیه‌بندی، یا مجوزهای اضافی وضع نکند. این اصل، به‌ویژه در بندهای مربوط به انضباط تجاری و شفافیت مقررات، به‌عنوان یکی از نقاط تحول‌آفرین سیاست تجاری کشور ارزیابی می‌شود.

در کنار حذف تعرفه‌ها، فصل مربوط به تسهیل تجاری نیز اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا برای نخستین بار، الزام به «زمان‌بندی مشخص در ترخیص کالا»، «پذیرش اسناد دیجیتال»، و «انتشار به‌موقع مقررات» به‌عنوان تعهدات الزام‌آور پذیرفته شده است.

۸. ساختار نهادی و کارگروه‌های مشترک

یکی از نقاط قوت این موافقت‌نامه، طراحی سازوکار نهادی مشخص برای پیگیری و نظارت بر اجرای آن است. ساختار اجرایی شامل دو سطح است:

۱. کمیسیون مشترک عالی ایران-اوراسیا به‌عنوان مرجع سیاست‌گذاری و نظارت کلان؛

۲. کارگروه‌های تخصصی مشترک در حوزه‌های زیر:

- تجارت کالا و تعرفه‌ها
- اقدامات فنی فراهم‌کننده تجارت و استانداردها



- بهداشت گیاهی و دامپزشکی (SPS)
- قواعد مبدأ و گواهی مبدأ
- انرژی، حمل‌ونقل و ترانزیت
- محیط‌زیست، خدمات درمانی و آموزش

فعال‌سازی مستمر این کارگروه‌ها، به‌ویژه در بخش‌های صنعتی و حمل‌ونقل، برای بهره‌برداری واقعی از ظرفیت موافقت‌نامه ضروری است. تجربه سایر کشورها نشان می‌دهد که موفقیت در اجرای توافق‌های تجارت آزاد، بیش از آنکه وابسته به متن حقوقی توافق باشد، به میزان فعالیت این نهادهای مشترک و پیگیری منظم آن‌ها بستگی دارد.

۹. تحلیل تعرفه‌ها و فهرست‌های مثبت و منفی

در موافقت‌نامه تجارت آزاد ایران و اوراسیا، حذف تعرفه‌ها بر اساس فهرست منفی انجام می‌شود؛ یعنی همه کالاها مشمول حذف تعرفه هستند، مگر آن‌هایی که در فهرست استثنا ذکر شده‌اند. این روش برخلاف مدل‌های قدیمی فهرست مثبت است که در آن تنها برخی کالاها مشمول تعرفه ترجیحی می‌شدند. ترکیب فهرست منفی دو طرف، بازتابی از اولویت‌های اقتصادی و حساسیت‌های تولید داخلی است. حدود ۴۵ درصد از فهرست منفی ایران شامل محصولات کشاورزی و غذایی (نظیر گندم، جو، روغن نباتی و گوشت قرمز) است، در حالی که بیش از ۸۰ درصد از فهرست منفی اتحادیه اوراسیا مربوط به محصولات صنعتی و شیمیایی است. این تفاوت، انعکاس‌دهنده ساختار تولیدی و سیاست‌های حمایتی هر طرف است. ایران با توجه به اهمیت امنیت غذایی، از آزادسازی کامل بخش کشاورزی پرهیز کرده است، در حالی که کشورهای عضو اوراسیا در حوزه‌های صنعتی محافظه‌کارتر عمل کرده‌اند.

۱۰. فرصت‌های اقتصادی برای ایران

اجرای موافقت‌نامه تجارت آزاد ایران و اوراسیا، مجموعه‌ای از فرصت‌های اقتصادی را در سه سطح اصلی فراهم می‌سازد: تجاری، تولیدی و نهادی.

الف) فرصت‌های تجاری

- **بهبود دسترسی به بازارهای اوراسیایی:** حذف تعرفه‌ها امکان ورود کالاهای ایرانی به بازاری با جمعیتی بالغ بر ۱۸۵ میلیون نفر را فراهم کرده است.
- **افزایش رقابت‌پذیری کالاهای ایرانی:** با صفر شدن تعرفه‌ها، کالاهای صادراتی ایران در مقایسه با رقبای از مزیت قیمتی قابل توجهی برخوردار خواهند شد.



- **تنوع بخشی به مقاصد صادراتی:** این موافقت‌نامه می‌تواند وابستگی تجارت خارجی ایران به چند کشور محدود را کاهش دهد.
- (ب) **فرصت‌های تولیدی و صنعتی**
 - **تحقق صرفه‌های مقیاس در تولید:** دسترسی به بازار گسترده‌تر امکان تولید انبوه و کاهش هزینه تمام‌شده را فراهم می‌کند.
 - **افزایش همکاری‌های فناورانه:** کارگروه‌های مشترک صنعتی و انرژی می‌توانند زمینه انتقال فناوری و سرمایه‌گذاری مشترک را ایجاد کنند.
- (ج) **فرصت‌های نهادی**
 - **اصلاح سیاست‌های تجاری داخلی:** تعهد به انضباط مقرراتی و تسهیل گمرکی، ثبات بیشتری به فضای اقتصادی کشور می‌بخشد.
 - **ارتقای ظرفیت نهادی و تخصصی دستگاه‌ها:** اجرای این موافقت‌نامه مستلزم ارتقای دانش فنی در حوزه قواعد مبدأ، تعرفه‌بندی و لجستیک است.

نمونه کالاهای دارای پتانسیل صادراتی ایران به کشورهای عضو اوراسیا

بازارهای هدف اصلی	ارزش بالقوه صادرات (میلیون دلار)	گروه کالایی
روسیه، قزاقستان	۱۰۵۰	پسته و خشکبار
روسیه، ارمنستان	۱۶۰۰	میوه تازه (کیوی، پرتقال)
قزاقستان، بلاروس	۲۸۰۰	کاشی و سرامیک
روسیه	۱۱۸۰	محصولات پتروشیمی و پارافین
قزاقستان، روسیه	+۳۰۰۰	قطعات خودرو و فولاد
روسیه، قرقیزستان	۲۵۰۰	میگو و فرآورده‌های دریایی

۱۱. چالش‌های پیش‌رو

با وجود فرصت‌های قابل توجه، اجرای مؤثر موافقت‌نامه تجارت آزاد ایران و اوراسیا با چالش‌های متعددی روبه‌رو است که می‌توان آن‌ها را در چهار محور اصلی طبقه‌بندی کرد:

نوع چالش	شرح و مصداق	پیامد احتمالی
رقابتی	افزایش ورود کالاهای اوراسیایی و فشار بر صنایع داخلی	تضعیف برخی تولیدکنندگان در کوتاه‌مدت
مقرراتی	تغییرات مکرر در بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌های تجاری	کاهش اعتبار تعهدات بین‌المللی ایران
اجرایی و نهادی	ضعف در هماهنگی میان گمرک، وزارت صمت و اتاق‌ها	کندی در ترخیص و اجرای ترجیحات
فنی و آموزشی	کمبود نیروی انسانی مسلط به قواعد مبدأ و ارزش‌گذاری	کاهش بهره‌گیری واقعی از مزایا

تجربه سایر کشورها نشان می‌دهد که رفع این چالش‌ها بیش از هر چیز نیازمند «یکپارچگی نهادی» و «ثبات سیاستی» است. در غیاب این دو عنصر، موافقت‌نامه‌ها به جای تسهیل تجارت، می‌توانند به منبعی از تعارض و بی‌اعتمادی تبدیل شوند.

۱۲. الزامات اجرایی و نقش اتاق‌های بازرگانی

برای بهره‌برداری حداکثری از ظرفیت‌های موافقت‌نامه، مجموعه‌ای از اقدامات اجرایی ضروری است که نقش اتاق‌های بازرگانی در آن محوری است. اهم این الزامات عبارت‌اند از:

- **ایجاد هماهنگی نهادی:** تشکیل کارگروه دائمی میان سازمان توسعه تجارت، گمرک، وزارت صمت و اتاق ایران برای پایش اجرای موافقت‌نامه.
- **نظام پایش آماری و اطلاعاتی:** ایجاد سامانه یکپارچه برای رصد مستمر آمار صادرات، واردات و استفاده از ترجیحات تعرفه‌ای.
- **توسعه زیرساخت‌های الکترونیکی:** اتصال برخط سامانه صدور گواهی مبدأ اتاق‌های بازرگانی به گمرک ایران و نهادهای طرف مقابل.
- **آموزش تخصصی فعالان اقتصادی:** برگزاری دوره‌های فنی در حوزه قواعد مبدأ، ارزش‌گذاری گمرکی، و نظام حل‌وفصل اختلافات.
- **ارتقای آگاهی عمومی بخش خصوصی:** انتشار راهنماها و دستورالعمل‌های کاربردی درباره نحوه بهره‌مندی از مزایای تعرفه‌ای.

اجرای این اقدامات می‌تواند زمینه بهره‌برداری واقعی از فرصت‌های توافق را فراهم کند و ایران را در مسیر تبدیل‌شدن به بازیگری فعال در تجارت منطقه‌ای قرار دهد.

۱۳. جمع‌بندی

موافقت‌نامه تجارت آزاد ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا را می‌توان نقطه عطفی در تاریخ روابط اقتصادی منطقه‌ای کشور دانست. این موافقت‌نامه، نخستین تجربه ایران در پذیرش تعهدات جامع تجارت آزاد است که نه تنها کاهش تعرفه‌ها بلکه اصلاحات نهادی و اجرایی را نیز در بر می‌گیرد. از منظر اقتصادی، توافق مذکور فرصت‌هایی برای تنوع‌بخشی به صادرات، افزایش رقابت‌پذیری و جذب سرمایه‌گذاری خارجی فراهم می‌کند. از منظر نهادی نیز می‌تواند به تثبیت سیاست تجاری، افزایش شفافیت و هماهنگی میان دستگاه‌های اجرایی بینجامد.

با این حال، تحقق کامل مزایای آن منوط به چند پیش‌شرط کلیدی است:

- ثبات در تصمیمات اقتصادی و پرهیز از مداخلات خلق‌الساعه؛
- تقویت ظرفیت‌های فنی و آموزشی در حوزه تجارت بین‌الملل؛
- فعال‌سازی واقعی کمیته‌ها و کارگروه‌های مشترک؛
- و مشارکت مؤثر بخش خصوصی در نظارت و اجرا.

به‌طور کلی، تجربه همکاری با اتحادیه اقتصادی اوراسیا می‌تواند به‌منزله آزمونی برای سنجش توان سیاست‌گذاری و اجرایی ایران در ورود به شبکه تجارت آزاد جهانی تلقی شود. موفقیت در این آزمون، نه تنها جایگاه ایران را در منطقه ارتقا خواهد داد، بلکه مسیر تعاملات آینده با سایر بلوک‌های اقتصادی نظیر بریکس و سازمان شانگهای را نیز هموار می‌سازد.



دکتر محمود شوری (پژوهشگر موسسه مطالعات ایران و اوراسیا)

۱. مقدمه

تحولات ژئواقتصادی سال‌های اخیر، اهمیت همکاری‌های منطقه‌ای را بیش از پیش برجسته کرده است. در این میان، اتحادیه اقتصادی اوراسیا به عنوان یکی از مهم‌ترین سازوکارهای همگرایی پسا شوروی، به تدریج به بازیگری قابل توجه در اقتصاد منطقه‌ای تبدیل شده است. توافق تجاری میان ایران و این اتحادیه، که در سال‌های اخیر به مرحله اجرای موقت رسیده و اکنون چشم‌انداز عضویت دائم ایران در آن نیز مطرح است، نقطه عطفی در سیاست تجاری کشور محسوب می‌شود.

از آنجا که اتحادیه اقتصادی اوراسیا اکنون وارد یازدهمین سال فعالیت خود شده است، ارزیابی عملکرد و جایگاه آن می‌تواند مبنایی برای درک فرصت‌ها و چالش‌های تعامل ایران با این بلوک اقتصادی فراهم کند. بررسی دقیق عملکرد ده‌ساله اتحادیه نه تنها شناخت بهتری از کارکردهای اقتصادی آن به دست می‌دهد، بلکه امکان تحلیل آینده روابط اقتصادی ایران و اوراسیا را نیز مهیا می‌سازد.

۲. ماهیت و سیر شکل‌گیری اتحادیه اقتصادی اوراسیا

اتحادیه اقتصادی اوراسیا، به عنوان موفق‌ترین پروژه همگرایی در منطقه پسا شوروی، حاصل بیش از دو دهه تجربه و تلاش در مسیر یکپارچگی اقتصادی در حوزه اوراسیا است. پیش از تشکیل رسمی اتحادیه در سال ۲۰۱۵، کشورهای این منطقه تجربیات مختلفی از همکاری اقتصادی را آزمودند؛ از جامعه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع (CIS) گرفته تا اتحادیه گمرکی و جامعه اقتصادی اوراسیا. این تجارب، بستر نهادی و حقوقی شکل‌گیری اتحادیه فعلی را فراهم کردند.

هدف اولیه از تأسیس اتحادیه، ایجاد بازاری مشترک برای گردش آزاد کالا، خدمات، سرمایه و نیروی کار بود؛ الگویی که تا حدی از تجربه اتحادیه اروپا الهام گرفته است. با این حال، نقش روسیه در تأسیس و تداوم این اتحادیه بسیار تعیین‌کننده است. در واقع، اتحادیه اقتصادی اوراسیا بیش از آنکه حاصل اراده جمعی برابر میان اعضا باشد، پروژه‌ای با محوریت و ابتکار روسیه محسوب می‌شود.

ولادیمیر پوتین، از ابتدای دهه ۲۰۱۰ میلادی، ایده تشکیل اتحادیه‌ای مشابه اتحادیه اروپا در منطقه اوراسیا را به عنوان بخشی از راهبرد احیای قدرت ژئواقتصادی روسیه دنبال می‌کرد. با این حال، مجموعه‌ای از تحولات سیاسی و امنیتی، از جمله بحران اوکراین در سال ۲۰۱۴، تحقق کامل این چشم‌انداز را با چالش مواجه کرد.

۳. ارزیابی درونی اتحادیه: عملکرد و دستاوردها

ده سال پس از آغاز به کار رسمی اتحادیه، ارزیابی عملکرد آن نشان می‌دهد که موفقیت‌های نسبی در حوزه گمرکی و تجارت آزاد به دست آمده است، اما در سایر حوزه‌ها هنوز با الگوی بازار واحد فاصله زیادی وجود دارد. اگرچه اسناد رسمی اتحادیه بر گردش آزاد کالا، خدمات، سرمایه و نیروی انسانی تأکید دارند، اما عملاً بیشترین پیشرفت در حوزه حذف تعرفه‌های گمرکی و تسهیل تجارت مرزی حاصل شده است. از این منظر، اتحادیه اقتصادی اوراسیا را می‌توان بیش از هر چیز یک اتحادیه گمرکی دانست تا یک بلوک اقتصادی جامع. با وجود این محدودیت‌ها، نهادسازی اقتصادی در سطح منطقه‌ای یکی از دستاوردهای مهم اتحادیه است. ایجاد کمیسیون اقتصادی اوراسیا، تدوین مقررات مشترک، و هماهنگی در زمینه‌های گمرکی و تعرفه‌ای، از جمله گام‌های مؤثر در نهادینه‌سازی همکاری‌های اقتصادی میان اعضا بوده است. به لحاظ آماری نیز، عملکرد اقتصادی اتحادیه در سال‌های اخیر قابل توجه است. بر اساس داده‌های سال ۲۰۲۳، رشد اقتصادی اتحادیه برابر با ۳.۷ درصد بوده است؛ نرخي بالاتر از رشد اتحادیه اروپا (۰.۶ درصد) و نسبتاً نزدیک به میانگین رشد کشورهای (ASEAN) ۴.۲ درصد. این امر در شرایطی به دست آمده است که اتحادیه درگیر بحران اوکراین و تحریم‌های اقتصادی گسترده علیه روسیه بوده است.

مقایسه شاخص‌های کلیدی بلوک‌های اقتصادی منتخب

شاخص‌ها / اتحادیه‌ها	اوراسیا (EAEU)	اتحادیه اروپا (EU)	ASEAN	MERCOSUR
جمعیت (میلیون نفر)	۱۸۳	۴۵۰	۶۸۰	۳۰۰
GDP اسمی (تریلیون دلار)	۲.۴	۱۸.۵	۳.۶	۳.۳
رشد اقتصادی ۲۰۲۳ (%)	۳.۷	۰.۶	۴.۲	۱.۱
سهم از اقتصاد جهانی (%)	۲.۵	۱۷	۳.۵	۳
تجارت درون منطقه‌ای (میلیارد دلار)	۱۰۰	۴۰۰۰	۷۰۰	۱۲۰



داده‌های تطبیقی بر اساس آمار صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و گزارش‌های کمیسیون اقتصادی اوراسیا

۴. ارزیابی بیرونی اتحادیه اقتصادی اوراسیا: جایگاه در نظام اقتصاد جهانی

اتحادیه اقتصادی اوراسیا، با وجود پیشرفت‌های نهادی و گمرکی، هنوز در مقیاس جهانی سهم محدودی از تجارت و تولید را به خود اختصاص داده است. در سال ۲۰۲۳، سهم این اتحادیه از اقتصاد جهانی حدود ۲.۵ درصد برآورد شده است، در حالی که اتحادیه اروپا ۱۷ درصد و اتحادیه کشورهای جنوب شرق آسیا حدود ۳.۵ درصد از تولید جهانی را در اختیار دارند. تجارت درون منطقه‌ای در اتحادیه اوراسیا حدود ۱۰۰ میلیارد دلار است که فاصله قابل توجهی با ۴ تریلیون دلار تجارت درون منطقه‌ای اتحادیه اروپا دارد. این آمار نشان می‌دهد که سطح همگرایی اقتصادی درون بلوک اوراسیا هنوز پایین است و تجارت اعضا همچنان عمدتاً در قالب روابط دوجانبه با روسیه جریان دارد.

با این حال، روند رشد اقتصادی در سال‌های اخیر نشان می‌دهد که اتحادیه، علی‌رغم فشارهای خارجی، توانسته است ثبات نسبی در تولید و تجارت منطقه‌ای را حفظ کند. علت این امر را می‌توان در چند عامل دانست:

۱. نقش محوری روسیه در تأمین انرژی، سرمایه و بازار مصرف برای اعضا؛
۲. همسویی نسبی سیاست‌های اقتصادی اعضای کوچک‌تر (نظیر قرقیزستان و ارمنستان) با چارچوب‌های مالی روسیه؛
۳. افزایش همکاری‌های تجاری با چین، هند و ایران در قالب قراردادهای ترجیحی و تهاتر کالا؛
۴. تغییر مسیرهای تجارت روسیه پس از تحریم‌های غرب به سوی شرق و جنوب (آسیای مرکزی، قفقاز، ایران).

در مجموع، اتحادیه اقتصادی اوراسیا در حال حاضر بیش از آنکه یک بلوک بزرگ رقابتی جهانی باشد، یک چارچوب اقتصادی منطقه‌ای با کارکردهای محدود اما مؤثر برای کشورهای عضو است.

۵. تحلیل ساختاری اتحادیه: نامتوازن، وابستگی و الگوی روابط

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های اتحادیه اقتصادی اوراسیا، نامتقارن بودن ساختار اقتصادی آن است. حدود ۸۷ درصد از تولید ناخالص داخلی (GDP) اتحادیه متعلق به روسیه است، در حالی که چهار کشور دیگر – قزاقستان، بلاروس، ارمنستان و قرقیزستان – سهمی کمتر از ۱۳ درصد دارند. این تمرکز شدید قدرت اقتصادی، موجب شده که تصمیم‌گیری‌های راهبردی اتحادیه به طور چشمگیری تحت تأثیر

سیاست‌ها و منافع روسیه قرار گیرد. نتیجه چنین وضعیتی، وابستگی بالای کشورهای کوچک‌تر به روسیه و در مقابل کاهش انگیزه برای همگرایی برابر و چندجانبه است.

سهم اعضای اتحادیه اقتصادی اوراسیا از GDP کل (%)

کشور	سهم از GDP اتحادیه
روسیه	۸۷٪
قزاقستان	۸٪
بلاروس	۳٪
ارمنستان	۱٪
قرقیزستان	۱٪

این ساختار نامتوازن موجب شده است که در عمل، بسیاری از تصمیمات اقتصادی، مالی و حتی تعرفه‌ای در اتحادیه، از مسکو هدایت شود. در نتیجه، اتحادیه اقتصادی اوراسیا در مقایسه با نمونه‌هایی نظیر اتحادیه اروپا یا ASEAN، از سطح پایینی از مشارکت متوازن میان اعضا برخوردار است. از سوی دیگر، الگوی تجارت درون اتحادیه‌ای نیز این تمرکز را تأیید می‌کند: بیشترین حجم مبادلات میان روسیه و سایر اعضاست (روسیه-قزاقستان، روسیه-بلاروس، روسیه-ارمنستان)، در حالی که تجارت میان کشورهای کوچک‌تر (مثلاً قرقیزستان-ارمنستان) بسیار ناچیز است. در سطح خارجی نیز، تعاملات اقتصادی اتحادیه با چین، هند و ایران همچنان در قالب قراردادهای دوجانبه با روسیه انجام می‌شود و نه از طریق نهادهای اتحادیه. به بیان دیگر، اتحادیه هنوز نتوانسته است به یک بازیگر واحد اقتصادی در سیاست جهانی تبدیل شود.

۶. چالش‌ها و تحولات اخیر اتحادیه اقتصادی اوراسیا

عملکرد اتحادیه طی دهه گذشته تحت تأثیر مجموعه‌ای از تحولات سیاسی، امنیتی و اقتصادی قرار داشته است که مسیر همگرایی را با پیچیدگی‌های جدی مواجه کرده است.

الف) بحران اوکراین و پیامدهای آن

اتحاد اوراسیا هم‌زمان با آغاز بحران اوکراین در سال ۲۰۱۴ شکل گرفت. این بحران، که اساساً ریشه در رقابت اقتصادی میان روسیه و اتحادیه اروپا برای جذب اوکراین داشت، یکی از عوامل اصلی شکل‌گیری فضای بی‌اعتمادی نسبت به اهداف روسیه در پروژه اوراسیا بود. در صورت پیوستن اوکراین به اتحادیه، این بلوک می‌توانست به مراتب وزن ژئواقتصادی بیشتری پیدا کند. اما تحولات سیاسی و درگیری‌های نظامی،



این چشم‌انداز را کاملاً منتفی کرد.

(ب) همه‌گیری کرونا (COVID-۱۹)

همه‌گیری جهانی کرونا موجب وقفه قابل توجهی در جریان تجارت منطقه‌ای و حمل‌ونقل کالا شد و نشان داد که زیرساخت‌های لجستیکی اتحادیه هنوز شکننده است. با این حال، اتحادیه توانست با اتخاذ سیاست‌های هماهنگ گمرکی و ایجاد مسیرهای زمینی جایگزین، بخشی از خسارت‌ها را جبران کند.

(ج) جنگ اوکراین (۲۰۲۲ به بعد) و تحریم‌های روسیه

تحریم‌های گسترده غرب علیه روسیه، ساختار اقتصادی اتحادیه را به‌طور جدی تحت تأثیر قرار داد. برخی کشورها مانند ارمنستان و قزاقستان، با استفاده از فرصت تحریم‌ها، افزایش چشمگیری در صادرات مجدد کالا به روسیه را تجربه کردند. به عنوان نمونه، تجارت ارمنستان با روسیه از حدود ۲ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۱ به حدود ۱۲ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۳ افزایش یافت. با این حال، این افزایش عمدتاً به دلیل تحریم‌گریزی روسیه بوده و نه بهبود ساختار همکاری‌های نهادی اتحادیه.

(د) واگرایی داخلی اعضا

هر یک از کشورهای عضو، برداشت و رویکرد متفاوتی نسبت به اهداف اتحادیه دارند:

- قزاقستان تلاش دارد ماهیت اقتصادی اتحادیه را حفظ کند و از سیاسی‌شدن آن پرهیز نماید.
- بلاروس تا پیش از تحریم‌های ۲۰۲۰ درصد نزدیکی به اروپا بود، اما پس از فشارهای غرب ناچار به بازگشت به مدار روسیه شد.
- ارمنستان که عضویت در اتحادیه را ابزاری برای امنیت خود می‌دید، پس از بحران ۲۰۲۰ در قره‌باغ به این نتیجه رسید که اتحادیه قادر به تأمین حمایت امنیتی نیست و اکنون حتی درخواست عضویت در اتحادیه اروپا را مطرح کرده است.
- قرقیزستان بیشترین بهره را از مهاجرت نیروی کار و انتقال ارز از روسیه برده است.
- این تعدد جهت‌گیری‌ها موجب شده است که انسجام درونی اتحادیه به‌شدت کاهش یابد و احتمال بروز تحولات ساختاری جدید در آینده افزایش یابد.

۷. پیامدها برای ایران

اتحادیه اقتصادی اوراسیا را می‌توان یک پروژه موفق نسبی در همگرایی اقتصادی منطقه‌ای دانست که اگرچه به اهداف کلان خود در ایجاد بازار واحد نرسیده، اما در زمینه‌های تجارت گمرکی، جریان سرمایه و ایجاد چارچوب نهادی منطقه‌ای، عملکردی قابل قبول داشته است.

برای ایران، این اتحادیه در شرایط تحریم‌های اقتصادی بین‌المللی، فرصتی راهبردی برای تنوع‌بخشی به بازارهای صادراتی و وارداتی فراهم می‌کند. پیوستن دائم ایران به این اتحادیه، در صورت مدیریت صحیح،

می‌تواند منافع زیر را به همراه داشته باشد:

۱. دسترسی ترجیحی به بازاری با جمعیت بیش از ۱۸۰ میلیون نفر؛
 ۲. افزایش صادرات کالاهای صنعتی و کشاورزی ایران به روسیه، قزاقستان و ارمنستان؛
 ۳. ایجاد مسیرهای ترانزیتی مکمل با کریدور شمال-جنوب و راه ابریشم؛
 ۴. تقویت پیوندهای مالی و بانکی خارج از نظام دلاری؛
 ۵. ایجاد وزن ژئواقتصادی جدید برای ایران در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز.
- با این حال، باید توجه داشت که اتحادیه اقتصادی اوراسیا، بلوک یکپارچه‌ای با تصمیم‌گیری جمعی واقعی نیست و محوریت روسیه در آن، ممکن است محدودیت‌هایی برای سایر اعضا ایجاد کند. از این رو، سیاست ایران در تعامل با این اتحادیه باید چندلایه و متوازن باشد:
- حفظ روابط نزدیک با روسیه،
 - هم‌زمان توسعه پیوندهای اقتصادی با قزاقستان، ارمنستان و بلاروس،
 - و تمرکز بر رویکرد اقتصادی، نه سیاسی، در عضویت دائم.

جمع‌بندی

در ارزیابی نهایی می‌توان گفت: اتحادیه اقتصادی اوراسیا طی ده سال گذشته توانسته است در سطح منطقه‌ای به چارچوبی نسبتاً پایدار برای همکاری اقتصادی بدل شود. اما در سطح جهانی هنوز در مرحله تثبیت و تعریف نقش خود قرار دارد. جنگ اوکراین، تحریم‌های گسترده غرب و تفاوت دیدگاه‌های اعضا، آینده اتحادیه را با ابهام ساختاری مواجه کرده است.

برای ایران، تعامل فعال، هدفمند و انعطاف‌پذیر با این اتحادیه، در چارچوب دیپلماسی اقتصادی چندجانبه، می‌تواند ضمن کاهش اثر تحریم‌ها، مسیر حضور مؤثر در بازارهای اوراسیایی را هموار کند.



دکتر وحید حسین‌زاده (عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس)

مقدمه

پیمان همکاری جمهوری اسلامی ایران با اتحادیه اقتصادی اوراسیا (EAEU) که با امضای توافقنامه تجارت آزاد در ۲۹ دی ماه ۱۴۰۱ و اجرایی شدن رسمی آن از ابتدای سال ۱۴۰۳/۲۰۲۴، وارد فاز جدیدی شده است، بخشی از یک تغییر راهبرد کلان در سیاست خارجی و اقتصادی ایران محسوب می‌شود. بررسی روند عضویت و افق‌های آتی این همکاری نشان می‌دهد که این گام نه یک انتخاب تصادفی، بلکه یک حرکت «عضویت ارگانیک» است که بر بستر مجموعه‌ای از ضرورت‌های ژئوپلیتیک، اقتصادی و راهبردی استوار شده است.

۱. بسترها و زمینه‌های راهبردی همکاری: «عضویت ارگانیک»

تصمیم ایران برای پیوستن به اتحادیه اقتصادی اوراسیا، رویکردی است که فراتر از منافع تجاری کوتاه‌مدت، از یک رشته ضرورت‌های استراتژیک و ژئوپلیتیک پیروی می‌کند؛ به عبارت دیگر، عضویت ایران در این اتحادیه یک «عضویت ارگانیک» تلقی می‌شود:

۱.۱. رویکردهای کلان سیاست خارجی

- راهبرد نگاه به شرق: همراستا با سندهای بالادستی و سیاست‌های کلان کشور، توسعه روابط با قدرت‌های آسیایی و تمرکز بر بلوک‌های شرقی (مانند روسیه و چین) و سازمان‌های منطقه‌ای نظیر شانگهای و اوراسیا، در دستور کار قرار گرفته است. این رویکرد به معنای تنوع‌بخشی به شرکای راهبردی در برابر تکانه‌های بین‌المللی است.
- سیاست همسایگی و اهمیت آسیای مرکزی و قفقاز: اتحادیه اوراسیا با حضور روسیه، قزاقستان، بلاروس، قرقیزستان و ارمنستان، در هسته جغرافیایی همسایگی شمالی ایران قرار دارد. پس از چند دهه کم‌توجهی، بازایی نفوذ و ارتباطات تاریخی در حوزه آسیای مرکزی و قفقاز یک ضرورت است.



این امر به ویژه در برابر تهدیدات ژئوپلیتیک جدید نظیر کریدور زنگه‌زور یا توسعه کریدور میانی (که تلاش‌هایی برای دور زدن ایران هستند)، اهمیت مضاعفی پیدا می‌کند.

۱.۲. راهکار جایگزین در مواجهه با تحریم‌های بین‌المللی

تحریم‌های ظالمانه و محدودیت‌های مالی-بانکی، ایران را مجبور به توسعه راهکارهای جایگزین در حوزه اقتصادی کرده است. همکاری با اتحادیه اوراسیا که خود نیز با برخی تحریم‌ها مواجه است، می‌تواند فرصتی برای:

- تسهیل مبادلات غیردلاری: گسترش استفاده از پول‌های ملی و سیستم‌های پرداخت جایگزین (SWIFT) بومی در تجارت دوجانبه.
- ایجاد سپر ایمنی اقتصادی: ایجاد یک حوزه تجاری با ثبات و قابل پیش‌بینی‌تر، به دور از تنش‌های نظام مالی غرب.

۱.۳. نقش ژئوپلیتیک ایران و کریدورهای بین‌المللی

موقعیت منحصربه‌فرد ایران به عنوان "پل اتصال جنوب آسیا به اروپا" و "بزرگراه شمال به جنوب"، نقش محوری ایران در موفقیت لجستیکی این اتحادیه را تضمین می‌کند. فعال‌سازی کریدور بین‌المللی حمل‌ونقل شمال-جنوب (INSTC)، محورهای ریلی، جاده‌ای و دریایی ایران را به گلوگاه اصلی تجارت میان هند، خلیج فارس و اعضای اوراسیا تبدیل خواهد کرد.

۲. ظرفیت‌ها و فرصت‌های اقتصادی بزرگ

اجرای کامل توافقنامه تجارت آزاد که مبادله بیش از ۹۰ درصد کالاها را با تعرفه صفر امکان‌پذیر می‌سازد، چندین فرصت کلیدی را برای اقتصاد ملی به ارمغان می‌آورد:

۲.۱. دسترسی به بازار بزرگ و متنوع

اتحادیه اوراسیا یک "بازار فروش قابل قبول" برای محصولات ایران است. جمعیت ۱۸۰ میلیونی، به علاوه افزایش قدرت خرید در برخی از کشورهای عضو، یک تقاضای جدید برای کالاها و خدمات ایرانی ایجاد می‌کند.



فرصت‌های اقتصادی محوری ایران در اتحادیه اوراسیا

حوزه/فرصت	ماهیت و مزیت رقابتی ایران	پیامدهای اقتصادی
صادرات کالا	محصولات کشاورزی، صنایع غذایی (به ویژه حلال)، پتروشیمی، مصالح ساختمانی و محصولات صنعتی غیرنفتی	جهش در صادرات غیرنفتی، تنوع بخشی به منابع درآمدی و استفاده از ظرفیت‌های مازاد تولید.
امنیت غذایی	نیاز شدید ایران به نهاده‌ها و غلات (به دلیل تنش‌های آبی و خشکسالی).	تأمین پایدار گندم، جو و دانه‌های روغنی از روسیه و قزاقستان؛ کاهش هزینه‌ها و ریسک‌های واردات
تجربه تجارت آزاد	ایران به عنوان یک کشور در حال توسعه و دارای سابقه تحریم	اتحادیه اوراسیا به عنوان یک "پایلوت مناسب" برای تمرین انطباق با قواعد بین‌المللی تجارت آزاد، پیش از پیوستن احتمالی به سازمان تجارت جهانی
توسعه ترانزیت	موقعیت منحصر به فرد ایران در کریدور شمال-جنوب	کسب درآمدهای ارزی پایدار از عوارض ترانزیتی و سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های ریلی و جاده‌ای.

۲.۲. اصلاح ناترازی‌های تجاری و همکاری با اعضای ثانویه

این همکاری فرصت توسعه روابط با اعضای میانی اتحادیه نظیر بلاروس، قزاقستان و قرقیزستان را فراهم می‌آورد. این امر به اصلاح ناترازی تجاری ایران (که بیش از حد به روسیه و چین وابسته است) کمک می‌کند. به عنوان مثال، بلاروس، با موقعیت استراتژیک و دسترسی به بازار روسیه، می‌تواند به عنوان یک هاب صنعتی و ترانزیتی در همکاری‌های سه‌جانبه یا چندجانبه مد نظر قرار گیرد.

۳. چالش‌ها و موانع ساختاری و عملیاتی

پس از امضای توافقنامه، موانع غیرتعرفه‌ای و چالش‌های ساختاری، اهمیت و پیچیدگی بیشتری نسبت به موانع تعرفه‌ای پیدا می‌کنند.

۳.۱. چالش‌های ساختاری و تقسیم کار اقتصادی

اتحادیه اوراسیا میراث‌دار یک تقسیم کار تجاری و صنعتی تاریخی است که ریشه در دوران شوروی سابق دارد. ایران به عنوان عضو جدید، باید جایگاه خود را در این ساختار از پیش تعریف شده پیدا کند:



- غلبه بر نفوذ روسیه و چین: سهم قابل توجه شرکای اصلی اتحادیه در واردات کشورهای عضو، رقابت را برای ایران دشوار می‌سازد. به عنوان نمونه، بیش از ۵۵ درصد از واردات کشور کلیدی مانند قزاقستان، میان روسیه و چین تقسیم می‌شود (به ترتیب ۳۰.۵ و ۲۵.۳ درصد). این تسلط، نیازمند تلاش مضاعف ایران برای تثبیت سهم خود در بازار است.

۳.۲. موانع غیرتعرفه‌ای (استانداردها و مقررات فنی)

- **استاندارد دولتی (GOST):** مهم‌ترین مانع فنی، عدم انطباق محصولات ایرانی با استاندارد GOST است که از سیستم‌های استانداردسازی اتحاد جماهیر شوروی سرچشمه می‌گیرد و در صنایع روسیه، بلاروس و سایر اعضا نافذ است. تولیدکنندگان ایرانی باید برای واردات به این بازار، گواهینامه GOST-R را که تأییدکننده انطباق محصول با الزامات کیفیت، ایمنی و مشخصات فنی است، اخذ کنند. عدم هماهنگی در این زمینه، ترخیص و پذیرش کالا را عملاً غیرممکن می‌سازد.
- **مقررات بهداشتی و قرنطینه (SPS/TBT):** در تجارت محصولات کشاورزی و صنایع غذایی، چالش‌های مربوط به گواهی‌های بهداشت دام و نباتات (قرنطینه)، ذبح شرعی (حلال) و انطباق با استانداردهای سختگیرانه غذا و دارو، از موانع کلیدی هستند. نیاز به پذیرش صحت نظارت طرف مقابل و اعتماد متقابل به سیستم‌های نظارتی ایران و اعضای اتحادیه، یک اقدام ضروری است.

۳.۳. چالش‌های لجستیک، گمرکی و حقوقی

- **عدم وحدت رویه گمرکی:** با وجود ایده "ترخیص در یک کشور عضو" که قرار است فرآیند گمرکی را ساده کند، در عمل، تفاوت در سامانه‌های گمرکی ملی و رویه‌های عملیاتی کشورهای عضو، منجر به پیچیدگی و طولانی شدن ترخیص کالا می‌شود.
- **هماهنگی لجستیک:** تجارت موفق مستلزم هماهنگی کامل میان شرکت‌های ترخیص‌کاری، فورواردری و لجستیکی است. فقدان این هماهنگی و عدم ارائه سرویس‌های یکپارچه لجستیکی (درب تا درب)، هزینه نهایی کالا را برای بخش خصوصی افزایش داده و رقابت‌پذیری را کاهش می‌دهد.
- **حل و فصل اختلافات حقوقی:** برای تضمین امنیت سرمایه‌گذاری و قراردادهای تجاری، ایجاد مراکز حکمیت (Arbitration Centers) مورد وثوق طرفین و تضمین قواعد حقوقی حاکم بر قراردادهای تجاری میان شرکت‌ها، ضروری است.

۴. تجارت آزاد به مثابه «شمشیر دولبه» برای صنایع بزرگ

تجارت آزاد، ضمن ایجاد فرصت برای صادرات، در عین حال، صنایع کلیدی داخلی را در معرض رقابت



مستقیم و شدید خارجی قرار می‌دهد. درک این حقیقت که «صنایع بزرگ ممکن است تحت تأثیر تعرفه‌ها و تجارت آزاد قرار بگیرند»، نیازمند یک برنامه‌ریزی دفاعی است.

• **خطر دامپینگ:** تولید بسیاری از بزرگ روسیه (بیش از دو برابر ایران) و قطع دسترسی آن به بازارهای غربی به دلیل تحریم‌ها، باعث شده است که روسیه مازاد تولید خود (حدود ۳۰ میلیون تُن) را با قیمت‌های رقابتی و تخفیف‌های عمده (گاهی تا ۱۵ درصد) به بازارهای آسیای میانه و خاورمیانه تزریق کند. این وضعیت، تهدید جدی برای قیمت‌گذاری محصولات فولادی ایران، هم در بازارهای صادراتی و هم در بازار داخلی، محسوب می‌شود. سیاست‌گذاران باید از ابزارهای حمایتی قانونی در چارچوب توافقنامه (نظیر تعرفه‌های فصلی یا اقدامات ضد دامپینگ) برای محافظت از صنایع کلیدی استفاده کنند.

۵. جمع‌بندی و ارائه راهبردهای پیشنهادی برای همگرایی موفق

برای اینکه ایران بتواند از فاز «همکاری ساده» به فاز «همگرایی عمیق» وارد شود، اتخاذ راهبردهای زیر در سطح حکمرانی تجاری و بخش خصوصی حیاتی است:

۵.۱. تغییر نگرش از همکاری صرف به همگرایی عمیق

دستگاه‌های حاکمیتی باید این سؤال اساسی را از خود بپرسند که آیا صرفاً هدف، بالا بردن اعداد تجاری است، یا دستیابی به ادغام و هماهنگی کامل در سطوح حقوقی، استانداردسازی و سیاست‌های تجاری اتحادیه. این تغییر نگرش، پیش‌شرط عبور از چالش‌های غیرتعرفه‌ای است.

۵.۲. ایجاد انسجام در حکمرانی تجاری داخلی

موفقیت در تجارت منطقه‌ای نیازمند هماهنگی حداکثری میان نهادهای کلیدی داخلی است. ضروری است که یک تیم مدیریتی واحد میان سه نهاد اصلی ایجاد شود:

- وزارت صنعت، معدن و تجارت (صمت): متولی سیاست‌گذاری و توسعه بازار.
- گمرک جمهوری اسلامی ایران: مسئول تسهیل رویه‌های اجرایی و گمرکی.
- نظام بانکی: مسئول تأمین مالی، تسویه حساب‌ها و توسعه مبادلات غیردلاری.

بدون وحدت رویه میان این سه نهاد، بخش خصوصی قادر به استفاده از تسهیلات تجارت آزاد نخواهد بود.

۵.۳. تمرکز بر مطالعات بازار و بخش خصوصی

تصمیمات حاکمیتی (نظیر حذف تعرفه) تنها یک بستر را فراهم می‌سازند. در نهایت، این بازار است که

میزان موفقیت را تعیین می‌کند. باید از بخش خصوصی حمایت شود تا:

- **بازارهای هدف را عمیقاً بشناسد:** نیازمندی‌های دقیق، کانال‌های توزیع، ذائقه مصرف‌کننده قزاق، روس یا ارمنی.
- **خدمات و پیشنهادهای مناسب ارائه دهد:** صرفاً عرضه محصول کافی نیست؛ ارائه سرویس‌های پس از فروش، کیفیت مناسب و بسته‌بندی منطبق با نیاز طرف مقابل، ضروری است.

۵.۴. طراحی نسخه‌های تجاری مجزا برای اعضا

اعضای اتحادیه اوراسیا از نظر اندازه، قدرت اقتصادی و نیازهای تجاری بسیار متفاوت هستند. راهبرد تجاری ایران نباید یکسان باشد:

- **روسیه:** به عنوان یک قدرت بزرگ (غول صنعتی و تأمین‌کننده نهاده‌ها)، نیازمند رویکردی دفاعی-تهاجمی برای جلوگیری از دامپینگ و توسعه همکاری‌های استراتژیک در زیرساخت است.
 - **قزاقستان و بلاروس:** به عنوان شرکای کلیدی (تأمین غله و هاب ترانزیت)، نیازمند استراتژی‌های متنوع در حوزه حمل‌ونقل و صنایع غذایی هستند.
 - **ارمنستان و قرقیزستان:** به عنوان بازارهای کوچک‌تر، فرصت مناسبی برای صادرات محصولات با ارزش افزوده بالاتر و خدمات فنی-مهندسی فراهم می‌کند.
- در نهایت، موفقیت در اتحادیه اوراسیا مستلزم یک برنامه ملی جامع است که بتواند با ایجاد توازن میان فرصت‌های منطقه‌ای و محافظت از صنایع راهبردی، از این توافقنامه به عنوان پل ورود به اقتصاد جهانی بهره‌برداری کند.



دکتر ولی کالچی (عضو شورای علمی موسسه مطالعات ایران و اوراسیا- ایراس)

۱. مقدمه

تحولات ژئوپلیتیکی و اقتصادی دهه اخیر، چشم‌انداز سیاست خارجی و تجارت بین‌المللی ایران را با تغییراتی بنیادین مواجه ساخته است. در این میان، تلاش برای گسترش همکاری‌های اقتصادی و تجاری با اتحادیه اقتصادی اوراسیا به‌عنوان یکی از محورهای مهم سیاست «نگاه به شرق» در ساختار تصمیم‌گیری کشور مطرح شده است. شکل‌گیری این اتحادیه در سال ۲۰۱۵ با محوریت روسیه و عضویت کشورهای بلاروس، قزاقستان، قرقیزستان و ارمنستان، فرصت تازه‌ای برای تنوع‌بخشی به شرکای تجاری ایران فراهم آورد؛ به‌ویژه در شرایطی که کشور با تحریم‌های گسترده آمریکا و محدودیت‌های شدید در مبادلات مالی و بانکی روبه‌رو بود.

توافق‌نامه تجارت ترجیحی میان ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا در تاریخ ۵ آبان ۱۳۹۸ (۲۷ اکتبر ۲۰۱۹) اجرایی شد؛ توافقی که بسیاری از تحلیلگران از آن به‌عنوان یکی از گام‌های مهم در جهت گسترش پیوندهای اقتصادی ایران با منطقه اوراسیا یاد می‌کنند. اجرای این توافق‌نامه، هم‌زمان با تداوم سیاست فشار حداکثری ایالات متحده پس از خروج دولت ترامپ از برجام (۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۷) و در میانه شرایط رکودی ناشی از تحریم‌های مالی و انرژی بود. بنابراین، آغاز همکاری اقتصادی ایران با اتحادیه اوراسیا را باید نه صرفاً یک تصمیم تجاری، بلکه نوعی گزینه استراتژیک برای کاهش فشارهای ژئواقتصادی غرب دانست. با وجود این، مسیر توسعه همکاری‌های ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا از همان ابتدا با موانع و چالش‌های پیچیده‌ای مواجه شد. تحریم‌های بانکی و مالی، همه‌گیری ویروس کرونا (۲۰۲۰-۲۰۲۱) و محدودیت‌های لجستیکی در تبادلات تجاری، عملاً ظرفیت بالقوه این توافق را محدود کردند. در چنین شرایطی، تصمیم برای تبدیل توافق‌نامه تجارت ترجیحی به تجارت آزاد از تاریخ ۲۵ اردیبهشت ۱۴۰۴ (۱۵ مه ۲۰۲۵) به‌منزله مرحله‌ای جدید در روابط اقتصادی ایران و اعضای این اتحادیه تلقی می‌شود. با این حال، این تغییر هم‌زمان شده است با بازگشت فضای تنش و تحریم‌های فراگیر بین‌المللی علیه ایران؛ مسئله‌ای که خود، پیامدهای ژرفی بر آینده همکاری‌های اقتصادی کشور با منطقه اوراسیا خواهد داشت.

در سطح نظری، بررسی روابط ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا باید در چارچوب پویایی نظام بین‌الملل معاصر تحلیل شود. اوراسیا بخشی از ساختار کلان اقتصاد جهانی است و نه حوزه‌ای مستقل و منزوی از غرب. یکی از برداشت‌های نادرست در فضای سیاست‌گذاری ایران آن است که منطقه اوراسیا را در مقابل غرب یا جایگزین غرب می‌انگارند، درحالی‌که کشورهای این منطقه، هر یک در شبکه‌ای از روابط پیچیده با اقتصاد جهانی و نهادهای مالی بین‌المللی قرار دارند. برای مثال، قزاقستان روابط گسترده‌ای با اروپا و ایالات متحده دارد، ارمنستان در سال‌های اخیر به‌سوی همکاری‌های نزدیک‌تر با اتحادیه اروپا حرکت کرده است، و حتی کشورهایی چون بلاروس و روسیه نیز با وجود تنش‌های سیاسی با غرب، همچنان به‌طور غیرمستقیم در سازوکارهای مالی جهانی حضور دارند.

به‌عبارت دیگر، اتحادیه اقتصادی اوراسیا یک سازه مکمل در نظام اقتصاد جهانی است، نه یک بلوک تقابلی. نادیده‌گرفتن این واقعیت موجب می‌شود ارزیابی‌های سیاستی ما از ظرفیت‌های این اتحادیه، اغراق‌آمیز یا نامتوازن باشد. درک درست از پیوند ساختاری میان اعضای این اتحادیه و اقتصاد جهانی، شرط نخست برای اتخاذ راهبرد واقع‌بینانه در روابط تجاری ایران است.

از منظر تاریخی نیز تجربه همکاری ایران با اتحادیه اوراسیا بازتابی از تغییر رویکرد ایران در مواجهه با چندجانبه‌گرایی اقتصادی است. در دهه‌های گذشته، تمرکز اصلی سیاست تجاری ایران بر کشورهای همسایه و بازارهای سنتی (مانند عراق، افغانستان، ترکیه و امارات) بوده است؛ اما تحولات ژئوپلیتیکی پس از ۲۰۱۸، کشور را به‌سمت تنوع‌بخشی جغرافیایی و نهادی در تجارت خارجی سوق داد. همکاری با اتحادیه اقتصادی اوراسیا می‌تواند از این منظر بخشی از راهبرد کلان «پیوند منطقه‌ای و همگرایی اقتصادی» باشد. بااین‌حال، تجربه پنج سال گذشته نشان می‌دهد که این مسیر بدون اصلاحات ساختاری در نظام بانکی، لجستیکی، سیاست‌های ارزی و نظام تعرفه‌ای کشور، به نتیجه مطلوب نخواهد رسید. در این چارچوب، بررسی سیر زمانی روابط ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا، تصویر روشنی از تداخل متغیرهای سیاسی و اقتصادی به‌دست می‌دهد. جدول زیر روند تحولات کلیدی را از زمان آغاز مذاکرات تا امروز نشان می‌دهد:

روند زمانی همکاری‌های ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا (۱۳۹۴-۱۴۰۴)

سال / رویداد	توضیح
۱۳۹۴-۱۳۹۶	آغاز مذاکرات مقدماتی میان ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا درباره همکاری تجاری
اردیبهشت ۱۳۹۷	خروج آمریکا از برجام و آغاز فشار حداکثری اقتصادی علیه ایران
آبان ۱۳۹۸	اجرای توافق‌نامه تجارت ترجیحی ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا
۱۳۹۹-۱۴۰۰	تأثیر همه‌گیری کووید-۱۹ بر کاهش حجم تجارت دوطرفه



سال / رویداد	توضیح
۱۴۰۱	آغاز جنگ اوکراین و تحریم روسیه؛ افزایش نسبی تجارت ایران-روسیه در قالب تهران
۱۴۰۲	تداوم محدودیت‌های بانکی و مالی و مشکلات تبدیل روبل-ریال
اردیبهشت ۱۴۰۴	آغاز مرحله اجرای توافق‌نامه تجارت آزاد میان ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا

این جدول نشان می‌دهد که تقریباً تمامی مراحل تعامل ایران با اتحادیه اقتصادی اوراسیا در شرایط تحریم و فشارهای خارجی رخ داده است. چنین محیطی نه تنها ظرفیت رشد مبادلات را کاهش داده، بلکه منطق همکاری‌های اقتصادی را از حالت رقابت‌پذیر به حالت بقا و تطبیق سوق داده است. به همین دلیل، بسیاری از مشکلات فعلی در روابط تجاری ایران با کشورهای اوراسیا - از جمله ناترازی‌های مالی، ضعف زیرساخت‌های صادراتی و کمبود مکانیزم‌های حمایتی - ریشه در محیط پریسک و غیرنرمال سیاست خارجی کشور دارد.

از سوی دیگر، تحولات آتی نیز می‌تواند مسیر همکاری‌های اقتصادی را به شدت متأثر کند. اگر مکانیسم ماشه فعال شود و تحریم‌های شورای امنیت علیه ایران بازگردد، فضای فعالیت اقتصادی میان ایران و اعضای اتحادیه به‌ویژه قزاقستان و ارمنستان که روابط گسترده‌ای با غرب دارند، محدودتر خواهد شد. در مقابل، ادامه وضعیت کنونی یا دستیابی به یک توافق جدید میان ایران و ایالات متحده می‌تواند بخشی از این محدودیت‌ها را کاهش دهد و امکان بهره‌برداری مؤثرتر از ظرفیت‌های اتحادیه را فراهم کند.

در مجموع، بررسی روند همکاری‌های ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا طی شش سال گذشته نشان می‌دهد که این توافق‌نامه در بستری از چالش‌های بین‌المللی، ساختاری و نهادی شکل گرفته است. فهم درست این بستر، پیش‌شرط تحلیل علمی فرصت‌ها و چالش‌های آتی در مرحله گذار به تجارت آزاد است. بخش‌های بعدی این گزارش به بررسی تحلیلی این ابعاد می‌پردازد.

۲. تحلیل شرایط کنونی و تأثیر محیط بین‌المللی بر همکاری‌های ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا

توسعه روابط اقتصادی ایران با اتحادیه اقتصادی اوراسیا، نه در خلأ، بلکه در بستر پیچیده‌ای از فشارهای بین‌المللی، تحریم‌ها و تحولات ژئوپلیتیکی شکل گرفته است. این محیط، هم فرصت‌ها و هم محدودیت‌های عملیاتی برای تعاملات تجاری ایران فراهم می‌آورد و تحلیل دقیق آن برای طراحی سیاست‌های اقتصادی و تجاری مؤثر ضروری است.

۲.۱ تحریم‌ها و فشار حداکثری: بستر محدودکننده همکاری‌ها

یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر تجارت ایران با اوراسیا، تحریم‌های بین‌المللی و به‌ویژه سیاست فشار

حداکثری ایالات متحده است. خروج آمریکا از برجام در اردیبهشت ۱۳۹۷ و اعمال تحریم‌های گسترده، محدودیت‌های مالی و بانکی عمیقی را بر ایران تحمیل کرد که به‌طور مستقیم تعامل با بانک‌ها و فعالان اقتصادی در کشورهای عضو اتحادیه اوراسیا را تحت تأثیر قرار داد.

برای نمونه، فعالیت بانک‌های ایرانی مانند بانک ملی در باکو و بانک ملت در ایروان تحت فشار محدودیت‌های بین‌المللی قرار گرفت. چنین شرایطی نه تنها امکان تسویه وجوه و تراکنش‌های مالی بین ایران و شرکای اوراسیایی را دشوار می‌کند، بلکه ناترازی‌های ارزی بین روبل و ریال را افزایش داده و هزینه‌های تراکنش برای صادرکنندگان ایرانی را به شکل محسوسی بالا برده است.

۲.۲ مکانیسم ماشه و بازگشت تحریم‌ها

فعال شدن مکانیسم ماشه، موجب بازگشت تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل علیه ایران شده است. چنین شرایطی اثرات متفاوتی بر کشورهای عضو اتحادیه اوراسیا خواهد گذاشت:

- **روسیه و بلاروس:** به دلیل درگیری با جنگ اوکراین و تحریم‌های موجود، ظرفیت همکاری‌های اقتصادی آنها با ایران محدود می‌شود.
- **قزاقستان و ارمنستان:** این کشورها دارای روابط گسترده با غرب هستند و بازگشت تحریم‌ها می‌تواند تعامل اقتصادی آنها با ایران را دشوارتر سازد.
- **قرقیزستان:** در سطح محدودتری تحت تأثیر تحریم‌ها قرار می‌گیرد اما به‌عنوان عضو اتحادیه، فضای همکاری‌های منطقه‌ای با ایران متأثر خواهد شد.

بنابراین، تحلیل سناریویی و پیش‌بینی اثرات بازگشت تحریم‌ها بر تجارت ایران با هر کشور عضو، برای تدوین راهبردهای عملیاتی ضروری است.

۲.۳ بحران کرونا و محدودیت‌های لجستیکی

همه‌گیری کووید-۱۹ نیز محدودیت‌های قابل توجهی بر تجارت ایران و اوراسیا وارد کرد. کاهش حمل‌ونقل بین‌المللی، افزایش هزینه‌های لجستیکی، و اختلال در زنجیره تأمین، حجم تجارت دوطرفه را محدود کرد. بررسی تجارب میدانی نشان می‌دهد که صادرکنندگان ایرانی، حتی برای کالاهای کم‌حجم و مصرفی، با مشکلات عملیاتی جدی مواجه بوده‌اند؛ از جمله محدودیت در حمل کالا، نیاز به اسکورت‌های امنیتی پول نقد و پیچیدگی‌های تبدیل ارز.

۲.۴ شرایط ژئوپلیتیکی منطقه‌ای و تأثیر جنگ اوکراین

جنگ اوکراین از سال ۲۰۲۲، ابعاد جدیدی به روابط ایران و اتحادیه اوراسیا اضافه کرده است. تحریم روسیه و اختلال در تجارت انرژی و کالاهای استراتژیک، هم فرصت‌ها و هم تهدیدها را تغییر داده است:



- **فرصت‌ها:** کاهش حضور رقبای اروپایی در بازار روسیه می‌تواند برای ایران امکان صادرات محدود برخی کالاها فراهم کند.
 - **محدودیت‌ها:** کمبود زیرساخت، مشکلات تأمین انرژی و مواد اولیه و محدودیت‌های بانکی، بهره‌برداری از این فرصت‌ها را محدود می‌کند.
- تحلیل میدانی نشان می‌دهد که صادرات ایران به روسیه عمدتاً در قالب تبادل روبل-ریال انجام می‌شود و فقدان سیستم مالی یکپارچه و مکانیسم‌های تهاتری کارآمد، محدودیت‌های قابل توجهی ایجاد کرده است. به عبارت دیگر، سیاست‌های ارزی و بانکی فعلی، از ظرفیت‌های بالقوه تجاری جلوگیری می‌کند.

۲.۵ جایگاه اعضای اتحادیه و تأثیر نظام بین‌الملل

یکی از برداشت‌های غلط در تحلیل‌های داخلی، تعریف اوراسیا به عنوان بلوکی مستقل و تقابلی با غرب است. واقعیت آن است که هیچ یک از ساختارهای منطقه‌ای، اعم از اتحادیه اقتصادی اوراسیا یا سازمان همکاری شانگهای، به صورت کامل از نظام بین‌الملل جدا نیستند.

- **روسیه:** با وجود تنش با غرب، همچنان در تعاملات مالی جهانی نقش دارد.
- **ارمنستان و قزاقستان:** روابط نزدیک با اتحادیه اروپا و آمریکا دارند و از تحولات جهانی تأثیر می‌پذیرند.

این تحلیل نشان می‌دهد که هر گونه سیاستگذاری اقتصادی ایران بدون در نظر گرفتن وابستگی‌های متقابل اقتصادی و سیاسی اعضای اتحادیه با نظام بین‌الملل ناقص خواهد بود.

تأثیر فشارهای بین‌المللی بر حجم تجارت ایران با اعضای اتحادیه اوراسیا (۲۰۱۸-۲۰۲۵)

سال	تحریم‌ها / بحران‌ها	اثر بر تجارت ایران-اوراسیا
۱۳۹۷	خروج آمریکا از برجام	کاهش تراکنش‌های بانکی و حجم تجارت
۱۳۹۸	اجرای توافق تجارت ترجیحی	رشد محدود تجارت با روسیه و ارمنستان
۱۳۹۹	شیوع کووید-۱۹	اختلال در حمل‌ونقل و کاهش صادرات
۱۴۰۱	جنگ اوکراین	فرصت محدود صادرات در بازار روسیه، مشکلات لجستیکی
۱۴۰۴	تجارت آزاد آغاز می‌شود	پتانسیل رشد، در صورت مدیریت تحریم‌ها و مکانیسم ماشه

بررسی شرایط کنونی نشان می‌دهد که همه عوامل محیطی، از تحریم‌ها و مکانیسم ماشه تا جنگ اوکراین و محدودیت‌های لجستیکی، فضای همکاری ایران و اتحادیه اوراسیا را محدود می‌کنند. از سوی دیگر، با مدیریت دقیق تحریم‌ها، بهبود سازوکارهای بانکی و ارزی، و توجه به ظرفیت‌های زیرساختی و

لجستیکی، می‌توان از فرصت‌های موجود بهره برد. به عبارت دیگر، همکاری موفق با اتحادیه اقتصادی اوراسیا وابسته به سیاست‌گذاری واقع‌بینانه، آماده‌سازی زیرساخت‌ها و سازوکارهای حمایتی و درک دقیق محیط بین‌المللی است.

۳. ارزیابی انتقادی از نگاه ایران به اتحادیه اقتصادی اوراسیا

یکی از موضوعات کلیدی در تحلیل روابط اقتصادی ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا، برداشت‌ها و تصورات داخلی از ظرفیت‌ها و نقش این اتحادیه است. تجربه چند سال گذشته نشان می‌دهد که در برخی محافل تصمیم‌گیری و تحلیل در ایران، اوراسیا اغلب به‌عنوان جایگزینی بالقوه یا مقابله‌ای با غرب تصویر شده است. این نگرش، اگرچه ممکن است از انگیزه‌های راهبردی داخلی ناشی شود، اما با واقعیت‌های نظام بین‌الملل و ظرفیت‌های اقتصادی اتحادیه همخوانی ندارد.

۳.۱ نقد تصور «اوراسیا در برابر غرب»

تحلیل واقع‌بینانه نشان می‌دهد که اتحادیه اقتصادی اوراسیا یک سازه اقتصادی-منطقه‌ای در چارچوب نظام بین‌الملل است و نه یک بلوک کاملاً جدا از غرب. نمونه‌های عینی این واقعیت عبارتند از:

- **روسیه و بلاروس:** با وجود تنش با غرب، همچنان بخشی از شبکه مالی و اقتصادی بین‌المللی هستند.
- **قزاقستان و ارمنستان:** روابط گسترده با اروپا و ایالات متحده دارند و سیاست‌های اقتصادی آنها تابعی از تحولات جهانی است.
- **سازمان همکاری شانگهای:** هیچ یک از اعضای آن به‌طور کامل از نظام بین‌الملل جدا نیستند. بنابراین، انتظار آنکه اوراسیا تمام مشکلات تجاری و تحریم‌های ایران را جبران کند، غیرواقع‌بینانه است.

۳.۲ محدودیت‌های واقعی ظرفیت‌های اقتصادی اتحادیه

تجربه عملی نشان داده است که اتحادیه اقتصادی اوراسیا ظرفیت محدودی در حوزه‌های فناوری‌های نوین، سرمایه‌گذاری خارجی و محصولات high-tech دارد. بسیاری از تحلیلگران داخلی، این اتحادیه را به عنوان «پنجره‌ای برای فرصت‌های نامحدود ایران» معرفی کرده‌اند، در حالی که واقعیت نشان می‌دهد:

- مشکلات بانکی و ارزی همچنان مانع تجارت مؤثر است.
- زیرساخت‌های لجستیکی و انبارداری در کشورهای عضو محدود است.
- همکاری‌های سرمایه‌گذاری و انتقال فناوری در سطح کلان، نیازمند توافقات فراملی و سیاست‌های بلندمدت است.



۳.۳ ضرورت پرهیز از اغراق در ارزیابی ظرفیت‌ها

یک اصل کلیدی در تدوین سیاست‌های تجاری و اقتصادی، واقع‌بینی در تحلیل ظرفیت‌ها و فرصت‌ها است. برخی مثال‌ها نشان می‌دهد که اغراق در برداشت‌ها می‌تواند تصمیم‌گیری‌ها را به خطا بکشاند:

- در سال‌های اولیه جنگ اوکراین، برخی پیشنهاد می‌دادند که ایران می‌تواند به جای گازپروم، بازار گاز اروپا را در اختیار گیرد. اما بررسی عملی نشان داد که تولید داخلی و ظرفیت صادرات ایران محدود است و این ادعا بر اساس واقعیت‌های تولیدی قابل تحقق نبود.
- در حوزه کشاورزی، پیشنهاد افزایش صادرات شیر، پنیر یا گل به بازار روسیه، بدون توجه به محدودیت منابع و زیرساخت‌های داخلی، عملی نبود.

این نمونه‌ها بر ضرورت تحلیل دقیق ظرفیت‌های داخلی و محدودیت‌های محیط خارجی تأکید می‌کند.

۳.۴ تحلیل تبادل واردات و صادرات

یکی از اصول اقتصادی بنیادی، ارتباط متقابل واردات و صادرات است. تجربه ایران نشان داده است که نگاه منفی و تنگ‌نظرانه نسبت به واردات، می‌تواند به کاهش صادرات نیز منجر شود:

مثال عملی: ثبت سفارش نکردن ۱۰ کانتینر آب معدنی از ارمنستان به ایران به دلیل نگرانی از آسیب به تولید داخلی، باعث شد که طرف ارمنی در مقابل صادرات ایران مقاومت کند. این نمونه نشان می‌دهد که عدم هماهنگی و انعطاف در سیاست‌های وارداتی، اثر مستقیم بر توان صادراتی ایران دارد.

بنابراین، اصلاح نگرش نسبت به واردات و پذیرش آن به‌عنوان بخشی از تعامل متوازن تجاری، شرط لازم برای گسترش صادرات است.

ارزیابی انتقادی نشان می‌دهد که:

۱. نگاه ایران به اتحادیه اقتصادی اوراسیا باید واقع‌بینانه و مبتنی بر ظرفیت‌های واقعی باشد.
۲. اتحادیه اقتصادی اوراسیا نمی‌تواند جایگزین روابط ایران با غرب شود و تنها مکمل آن است.
۳. پرهیز از اغراق و بزرگنمایی ظرفیت‌ها، شرط لازم برای طراحی سیاست‌های مؤثر تجاری و اقتصادی است.
۴. توازن واردات و صادرات، ابزار کلیدی برای موفقیت در بازارهای اوراسیا محسوب می‌شود.



مقایسه ظرفیت‌های ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا

حوزه	ظرفیت ایران	ظرفیت اتحادیه اوراسیا	محدودیت‌ها
سرمایه‌گذاری و فناوری	متوسط	محدود	کمبود زیرساخت، تحریم‌ها
صادرات کالاهای کشاورزی	بالا (نسبت به تولید داخلی)	محدود	کمبود انبار و سردخانه
انرژی و گاز	محدود به ظرفیت داخلی	محدود	تحریم‌ها و کمبود سرمایه‌گذاری خارجی
تجارت بانکی	محدود	محدود	ناترازی روبل-ریال، محدودیت تراکنش‌های مالی

۴. چالش‌های ساختاری در تجارت ایران و اعضای اتحادیه اقتصادی اوراسیا

تحلیل همکاری‌های ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا نشان می‌دهد که موانع ساختاری و نهادی بیش از محدودیت‌های سیاسی، عامل اصلی کندی و ناکارآمدی تعاملات اقتصادی هستند. این بخش به بررسی چالش‌های بانکی، مالی، لجستیکی و تجاری می‌پردازد و زمینه را برای ارائه راهبردهای عملیاتی فراهم می‌کند.

۴.۱ محدودیت‌های بانکی و مالی

یکی از مهم‌ترین مشکلات، ناترازی در سیستم مالی و بانکی میان ایران و کشورهای عضو اتحادیه است. معاملات عمده تجاری ایران با روسیه، ارمنستان و قزاقستان غالباً در قالب تهاتر و مبادلات روبل-ریال انجام می‌شود، اما:

- نبود سیستم یکپارچه و شفاف برای تبدیل ارز و تسویه حساب‌ها،
- اختلاف نرخ‌های رسمی و واقعی تبدیل روبل به ریال،
- و محدودیت دسترسی به شبکه‌های بین‌المللی بانکی (SWIFT)

باعث شده صادرکنندگان ایرانی متحمل زیان شوند و حجم واقعی تجارت محدود شود. به‌عنوان مثال، در مورد صادرات محصولات کشاورزی و صنعتی به روسیه، برخی صادرکنندگان مجبور به تقسیم پول نقد به چندین اسکورت و حمل با خودروهای جداگانه شده‌اند، که ریسک عملیاتی و هزینه‌های غیرضروری ایجاد می‌کند.



نمونه مشکلات بانکی و مالی در تجارت ایران-اوراسیا

کشور عضو	بانک ایرانی فعال	محدودیت اصلی	اثر بر تجارت
روسیه	بانک ملت	اختلاف نرخ روبل-ریال	کاهش سود صادرکننده
ارمنستان	بانک ملی	محدودیت تراکنش بین‌المللی	پیچیدگی تهاتر
قزاقستان	بانک صادرات	تحریم‌های ثانویه	کاهش مبادلات

۴.۲ چالش‌های لجستیکی و زیرساختی

برخلاف تصور برخی، زیرساخت‌های لجستیکی در کشورهای عضو اتحادیه اوراسیا برای تجارت ایران محدود است. این محدودیت‌ها شامل:

- کمبود سردخانه و انبار برای نگهداری کالاهای صادراتی،
 - فقدان شبکه‌های توزیع خرده‌فروشی برای حضور مستقیم ایرانیان در بازارها،
 - و کمبود تسهیلات بارانداز و مراکز پشتیبانی برای صادرکنندگان ایرانی
- تجربه میدانی نشان می‌دهد که صادرکنندگان محصولات غذایی، به‌ویژه میوه و لبنیات، با ریسک فاسد شدن کالا و ضرر مالی مواجه هستند.

مثال: صادرات چند کانتینر گیلان از سنندج به مسکو بدون وجود سردخانه محلی، باعث شد محصول به دلیل تأخیر یا سوءتفاهم‌ها با قیمت پایین فروخته شود. این وضعیت نشان می‌دهد که حضور فیزیکی و ایجاد کنسرسیوم‌های تجاری در کشورهای عضو می‌تواند راهبرد مؤثری برای کاهش ریسک و تسهیل تجارت باشد.

۴.۳ محدودیت‌های سیاست‌گذاری و مدیریت تجاری

چالش دیگر، ضعف هماهنگی میان سیاست‌های واردات و صادرات است. تجربه نشان می‌دهد که نگرش‌های تنگ‌نظرانه نسبت به واردات، مستقیماً بر توان صادرات اثر می‌گذارد:

- مثال: جلوگیری از واردات محدود کالاهای مصرفی از ارمنستان به ایران، باعث شد که طرف ارمنی در مقابل صادرات ایران مقاومت کند.
- اصل اقتصادی: واردات و صادرات دو روی یک سکه هستند و محدودیت غیرضروری در واردات، صادرات را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد.

علاوه بر این، نبود سیاست‌های حمایتی مستمر برای صادرکنندگان و کمبود مکانیسم‌های پشتیبانی مالی، سرمایه‌گذاری و بیمه، مانع حضور مؤثر ایران در بازارهای خرده‌فروشی و شبکه‌های توزیع اتحادیه شده است.

۴.۴ ظرفیت کنسرسیوم‌ها و سرمایه‌گذاری مشترک

ایجاد کنسرسیوم‌های تجاری و سرمایه‌گذاری مشترک میان شرکت‌های ایرانی، به‌ویژه در روسیه و قزاقستان، می‌تواند بخشی از این محدودیت‌ها را کاهش دهد:

- جمع‌آوری منابع مالی و توان عملیاتی شرکت‌های کوچک و متوسط،
 - ایجاد بارانداز، انبار و سردخانه‌های مشترک،
 - افزایش قدرت حضور در بازار خرده‌فروشی و توزیع مستقیم کالاها،
- همگی می‌تواند روند تجارت را تسهیل و ریسک‌ها را کاهش دهد. تجربه موفق سرای تجاری ایران در آستاراخان نمونه‌ای روشن از تأثیر چنین اقدامات حمایتی است.
- چالش‌های ساختاری، عامل اصلی محدودیت همکاری ایران با اتحادیه اقتصادی اوراسیا هستند. در مجموع:

۱. محدودیت‌های بانکی و مالی مانع تسهیل تراکنش‌ها و تهاتر است.
۲. زیرساخت‌های لجستیکی ناکافی ریسک فساد کالا و کاهش سود صادرکنندگان را افزایش می‌دهد.
۳. سیاست‌های محدودکننده واردات، اثر مستقیم بر توان صادرات ایران دارد.
۴. ایجاد کنسرسیوم‌ها و سرمایه‌گذاری مشترک می‌تواند ظرفیت عملیاتی ایران را در این بازار افزایش دهد.

۵. تحلیل انتقادی سیاست‌های صادراتی و وارداتی ایران

سیاست‌های تجاری و اقتصادی ایران در دهه‌های اخیر، تحت تأثیر ایدئولوژی‌هایی نظیر خودکفایی و مقاومت اقتصادی، غالباً یک رویکرد نامتوازن را در قبال صادرات و واردات اتخاذ کرده است. این نگاه متصلب که واردات را تهدیدی برای تولید داخلی می‌پندارد، به یک چالش ساختاری در توسعه روابط تجاری با اتحادیه اقتصادی اوراسیا تبدیل شده است. اصلاح این رویکرد، شرط لازم برای استفاده مؤثر از ظرفیت‌های توافق تجارت آزاد است.

۵.۱ تبیین رابطه متقابل واردات و صادرات

برخلاف تصور رایج، واردات و صادرات در نظام اقتصاد جهانی دو روی یک سکه‌اند و رابطه متقابل و مستقیم دارند. از منظر اقتصاد کلان و تجارت بین‌الملل، صادرات هر کشور در بلندمدت وابسته به توانایی آن برای واردات از شرکای تجاری است؛ زیرا:

۱. تسهیل مبادلات ارزی: واردات، تقاضا برای ارزهای شرکای تجاری (مانند روبل) را در کشور



ایجاد می‌کند و به مدیریت ناترازی‌های ارزی کمک می‌کند. در صورت نبود واردات متناسب، کشور صادرکننده با مازاد ارزی طرف مقابل مواجه می‌شود که مدیریت آن (مانند ناترازی روبل و ریال) هزینه‌زا و مشکل‌آفرین است.

۲. **جلب اعتماد متقابل:** در سطح روابط دوجانبه، امتناع از واردات کالاهای طرف مقابل، زمینه‌ای برای واکنش متقابل و مقاومت در برابر صادرات کشور ایجاد می‌کند. کشور شریک (مانند ارمنستان) انتظار دارد در ازای تسهیل صادرات ایران، امکان دسترسی متقابلی به بازار ایران داشته باشد.

۵.۲ نقد نگاه منفی به واردات در سیاست‌گذاری اقتصادی ایران

تجربه چندین ساله تعامل با کشورهای اوراسیا نشان می‌دهد که نگاه تنگ‌نظرانه و سخت‌گیرانه به واردات، یک مانع جدی نهادی در برابر توسعه صادرات است. در بسیاری از موارد، محدودیت‌های ثبت سفارش و تعرفه‌ای برای واردات، حتی در مورد کالاهای کم‌حجم یا ضروری، با هدف حمایت از تولید داخلی اعمال می‌شود؛ درحالی‌که اثر واقعی این ممنوعیت‌ها بر تولید داخلی ناچیز است و عمدتاً بر کیفیت روابط تجاری تأثیر منفی می‌گذارد.

• **مصادق عینی:** جلوگیری از ثبت سفارش برای واردات محدود کالاهای مصرفی (مانند ۱۰ کانتینر آب معدنی) از کشورهایی چون ارمنستان، با این توجیه که به «اقتصاد مقاومتی» آسیب می‌رساند، مثالی روشن از این رویکرد است. چنین سیاست‌هایی، در غیاب تحلیل دقیق تأثیر بر تولید داخلی و در مقابل، نادیده گرفتن اثر مخرب آن بر روابط دوجانبه، منجر به گارد گرفتن طرف‌های اوراسیایی در برابر کالاهای صادراتی ایران می‌شود.

این رویکرد، نه تنها هدف حمایت از تولید داخلی را به شکل کارآمد محقق نمی‌کند، بلکه عملاً زمینه رقابت‌پذیری صادرات ایران را در بازارهای منطقه‌ای تضعیف می‌کند.

۵.۳ **ضرورت بازتعریف مفهوم «داد و ستد» در روابط اقتصادی جدید**
برای موفقیت در مرحله تجارت آزاد با اتحادیه اوراسیا، لازم است مفهوم سنتی «داد و ستد» که در ادبیات فارسی به‌عنوان بیانگر تعامل متوازن تجاری استفاده می‌شده، در سیاست‌گذاری مدرن مجدداً تعریف شود. این بازتعریف شامل موارد زیر است:

۱. **حذف تعصب‌های ضد وارداتی:** سیاست‌گذاران باید بپذیرند که هدف از تعامل با اتحادیه اوراسیا، تنها «صادرات یک‌طرفه» نیست، بلکه دستیابی به تراز تجاری متوازن و پایدار است که از طریق مبادلات دوجانبه (داد و ستد) محقق می‌شود.

۲. **انعطاف در مقررات تجاری:** مقررات ثبت سفارش، تعرفه‌ای و قرنطینه‌ای باید با انعطاف‌پذیری بیشتری نسبت به اعضای اتحادیه اقتصادی اوراسیا (به‌عنوان شرکای استراتژیک) اعمال شود تا

انگیزه لازم برای همکاری متقابل در آن‌ها ایجاد شود.

۳. پذیرش مکمل بودن واردات: واردات در حوزه‌هایی که ظرفیت تولید داخلی محدود است (مانند کالاهای با فناوری بالا یا برخی مواد اولیه) باید به‌عنوان مکمل توسعه صنعتی و نه تهدیدی برای آن، در نظر گرفته شود.

۶. راهبردهای پیشنهادی برای ارتقای حضور ایران در بازار اوراسیا

برای غلبه بر چالش‌های ساختاری (بخش ۴) و اصلاح نگرش‌های سیاست‌گذاری (بخش ۵)، مجموعه‌ای از راهبردهای عملیاتی برای اتاق‌های بازرگانی، سازمان توسعه تجارت و فعالان اقتصادی ضروری است تا حضور ایران در بازارهای اوراسیا از عمده‌فروشی فله‌ای به توزیع و خرده‌فروشی حرفه‌ای ارتقا یابد.

۶.۱ تشکیل کنسرسیوم‌های صادراتی

با توجه به پهنای بازارهایی مانند روسیه (با ۱۵۰ میلیون جمعیت) و نیاز به حجم بالای سرمایه و توان لجستیکی، تشکیل کنسرسیوم‌های صادراتی یک ضرورت استراتژیک است.

- **هدف:** جمع‌آوری سرمایه‌ها، توان لجستیکی و بازاریابی شرکت‌های کوچک و متوسط ایرانی برای ایجاد یک قدرت تجاری متمرکز در بازارهای اوراسیا. یک شرکت ۱۰۰ کامیونی که در ایران بزرگ محسوب می‌شود، در روسیه پهنای «محو» است؛ کنسرسیوم‌ها این مشکل را حل می‌کنند.
- **وظیفه اتاق‌های بازرگانی:** تشویق و تسهیل فرایند ادغام موقت و تشکیل این کنسرسیوم‌ها با هدف تخصصی‌شدن در بازارهای خاص (مثلاً کنسرسیوم صادرات خشکبار به قزاقستان یا کنسرسیوم صادرات میوه و تره‌بار به مسکو و سنت‌پترزبورگ).

۶.۲ ایجاد زیرساخت‌های پشتیبانی (بارانداز، سردخانه، سرای تجاری)

فقدان زیرساخت‌های فیزیکی، صادرکننده ایرانی را در مقابل نوسانات بازار، مشکلات لجستیکی و سوءاستفاده‌های احتمالی خریداران بی‌دفاع می‌گذارد. ایجاد مراکز پشتیبانی، حاشیه امنیت ضروری را فراهم می‌کند.

۱. **نقش مراکز لجستیکی:** این مراکز (شامل انبار و سردخانه) باید به صادرکننده امکان دهند که در صورت بروز مشکل در مقصد (مانند ایراد گرفتن خریدار روسی از کیفیت گیلان)، کالا را به جای ارجاع به ایران یا فروش با قیمت نازل، به سرعت به سردخانه منتقل کرده و با خریدار دیگری وارد معامله شود.
۲. **تکثیر مدل سرای تجاری آستاراخان:** تجربه موفق سرای تجاری ایران در آستاراخان باید در دیگر کانون‌های اصلی تجارت با اوراسیا، به‌ویژه مسکو، سنت‌پترزبورگ، آلماتی (قزاقستان) و



ایران (ارمنستان)، تکرار شود. این مراکز به‌عنوان پناه و بارانداز برای تجار ایرانی عمل خواهند کرد.

۶.۳ توسعه حضور در بازار خرده‌فروشی و برندسازی ایرانی

حضور در یک بازار زمانی کامل و مؤثر است که یک کشور بتواند در شبکه توزیع و خرده‌فروشی آن نفوذ کند.

- **فاصله از عمده‌فروشی فله‌ای:** تمرکز صرف بر عمده‌فروشی در میادین میوه و تره‌بار، ایران را در نقش یک تأمین‌کننده کالای خام یا فله‌ای نگه می‌دارد.
- **اولویت‌دهی به توزیع مستقیم:** راهبرد باید معطوف به حضور مستقیم کالاهای ایرانی در فروشگاه‌های زنجیره‌ای و شبکه‌های توزیع مویرگی اوراسیا باشد. این امر مستلزم برندسازی، استانداردهای بین‌المللی و البته، وجود مراکز پشتیبانی محلی (انبار و لجستیک) است.

۷. جمع‌بندی و چشم‌انداز آینده همکاری‌ها

همکاری ایران با اتحادیه اقتصادی اوراسیا، یک فرصت راهبردی برای تنوع‌بخشی به اقتصاد خارجی کشور است؛ اما این مسیر با چالش‌های سه‌گانه ژئوپلیتیکی، ساختاری و ذهنیتی روبه‌رو است. ورود به مرحله تجارت آزاد در سال ۲۰۲۵ نیازمند آمادگی برای مدیریت ریسک‌های آتی است.

۷.۱ سناریوهای محتمل در صورت بازگشت تحریم‌ها یا تداوم جنگ اوکراین

۱. **سناریوی بازگشت مکانیسم ماشه:** فعال شدن مکانیسم ماشه و بازگشت تحریم‌های سازمان ملل (شامل قطعنامه‌های قبل از ۲۰۱۵) می‌تواند منجر به انزوای مالی عمیق‌تر ایران شود. در این صورت:

- **قزاقستان و ارمنستان:** به دلیل وابستگی به نظام مالی بین‌المللی، روابط خود را با ایران سخت‌تر و محدودتر خواهند کرد.
- **روسیه و بلاروس:** با وجود تداوم همکاری، فشار لجستیکی و مالی بر آن‌ها نیز افزایش یافته و عملاً تجارت با ایران به حوزه‌های بسیار محدود و حیاتی منحصر می‌شود.

۲. **سناریوی پایان جنگ اوکراین:** در صورت پایان جنگ و کاهش تحریم‌های غرب علیه روسیه، این احتمال وجود دارد که شرکت‌های بزرگ روسی که اکنون به دلیل تحریم با ایران همکاری می‌کنند، بازار ایران را ترک کنند و به تعاملات عادی خود با غرب بازگردند. بنابراین، توافقات موجود با روسیه باید به قراردادهای بلندمدت و تعهدآور تبدیل شوند.

تهران، خیابان طالقانی،
نبش خیابان شهید موسوی (فرصت)، پلاک ۱۷۵
تلفن: ۸۵۷۳۰۰۰۰ (۰۲۱)

ICCIMA.IR



مرکز پژوهش های اتاق ایران